

تاریخ سی ساله

ایران

نوشته

ب - جزئی

۹۵۵
۱۰۹۱
ج
۴۱۴
ت

۸۷/۱۰/۲۳

تاریخ سی ساله ایران

: نوشته

ب - حزنس

موقعیت عمومی جنبش انقلابی ایران

مندستا" باید با بروزهای اقتصادی و تولیدی جاسده، ایران آشنا شد و وزرگاهای نظام سرمایه داری وابسته، موافق زیربنایی و واسطگی ایران به انحرافات امپرالیستی و خصوصیات پوروزواری وابسته به طبقه حاکمه را مورد بررسی فرار داد که نتیجه، این بروزها شناخت سو مرکت فعلی جایده است.

این شناخت به ما امکان مددود پدیده های اجتماعی و سیاسی را میںق تو درگ کرده و میر حرکت جنبش را بر اساس آن تعین کیم. بنیاد استراتژی جنبش را این حرکت میں اجتماعی تشکیل مددود در این حرکت است که سروهای رشد باینده تکامل بافته بر سروهای روال باینده غلبه میکند.

۴ تاریخ سی ساله ایران

اگر استراتژی جنبش انقلابی از جبهت حرکت جامعه و وزرگاهای آن جدا بماند با کدست زمان و تکامل بروشهای اجتماعی و اقتصادی جنبش هر روز نعروهای خود را بیشتر از دست میدهد و سر عکس اگر استراتژی سنتی براین حرکت باشد حرکت ناگاهانه جامعه و حتی تمام کوشش‌های اگاهانه طبقه‌حاکم در رسمه بروشهای تولیدی و اقتصادی به قدرت جنبش ساپراید. این شناخت همچنین با اجازه میدهد که از هر قدر ندن در مسائل تاکتیکی صرف برهیز کرد و با همین معنی و طولانی خط می‌جنبیش رادر مراحل مختلف تعین کنم از آن پس باید نخست موقعیت معمولی جنبش را بشناسم و بروشهای اجتماعی و سیاسی را که در گذشته تزدیک روی داده جمعیندی کنم. گیفیت سازمانهای مبارز هلیس را برسی کنم و سرانجام وزرگاهای فرهنگی، روحیه، عادات و مسائل توده‌ها را بشناسم.

همچنین موقعیت دستگاه حاکمه شوه‌های اداری پالس و نقش عوامل خارجی حاکم در ایران را برسی کرده و موضع کبری عوامل متوفی جهانی در ایران را تعین کنم.

پس باید آنچه را که در جهان می‌گذرد جمعیندی کنم. موقعیت جنبش‌گارگوی و جنبش رهانی بخش رادر جهان و وزرگاهای جنبشی‌ای منطقه را بشناسم و سرانجام پس از تعین وزرگاهای ابدولوزیک جنبش و تعین تضادهای جامعه و نعروهای انقلابی و کم و کیف آنها استراتژی معمولی جنبش‌انقلابی و مراحل آن تعین شود. آگاهی براین استراتژی بر تمام نعروهای مبارز واجب است. در بروشهای طولانی انقلاب شناخت عین این استراتژی است که میتواند جنبش را از احتراف در مراحل مختلف بازداشت

۵ تاریخ سی ساله ایران

و در بیچ و خمیای عمل و در سرخورد با واقعیت از گمراهی محسون دارد اگر در شناخت بروشهای اجتماعی . اقتصادی و تعین سانی ابدولوزیک جنبش هرگز انتقام شویم . با برداخت بهانی سکن و بدیرفتن واقعیت عین است که موفق به تصحیح مسیر خود می‌شویم . در این بخش موقعیت سیاسی ایران را برسی می‌کنم این موقعیت را دارم فصل مورد مطالعه قرار میدهم :

در فصل اول مبارزات گذشته را در سده اخیر جمعیندی می‌کنم این فصل شامل فعالیتهای حرب توده جبهه ملی ، فعالیتهای برآکنده و جبهه ملی دوم می‌شود .

در فصل دوم موقعیت نعروهای و سازمانها را در راستا خیز سیاهکل برسی می‌کنم .

در فصل سوم موقعیت دستگاه حاکمه ، شوه‌های حکومی آن و نقش موافق مونز جهانی در ایران را مطالعه می‌کنم .

فصل اول

جمعیندی مبارزات گذشته

مارزات امروزمانه فقط به دلیل اینکه با بروسه ای اقتصادی و اجتماعی
عین سروکار دارد که طی قریبها رشد گرده (بخصوص ویژگیهای آنها خ
دنه های اخیرهور توجه است) و امروزسیز ادامه دارد . بلکه به این دلیل
که بروسه های سیاسی گذشته نزدیک ، بدون واسطه در بروسه های امروز اثر
سوگزارد با مبارزات گذشته سنتی دارد . تحلیل همه جانبه مبارزات گذشته
و طبقه ایست که انجام آن در مقابل جنگ اتفاقی قرار دارد و از جمله نیازهای
تثویریگ صریح جنبش است ولی این وظیفه با طرح این نوشتة خالی است لذا
جمعیندی مبارزات گذشته مطرح نمیشود .

حرب توده و جنبش گارگری

تاریخ سی ساله ایران

حزب توده در سپتامبر ۱۳۲۰ به سال تشکیل مجمع از روشنگران رسمی نامیده شد. هسته اصلی آن مجمع عده‌ای از گروه معروف به ۵۲ نفر بودند. گروه ۵۲ نفر تنها جریان مارکسیست قابل از شهربور ۱۳۲۰ نیست در سال ۱۹۲۱ در انگلی خوب گنو نیست ایران تشکیل شد. (۱) آن خوب در دولت کوچک خان جنگلی و ارشن بلزیکی در رشت و بازار انگلیسیها شرکت گردید و باشکست جمنش جنگل و سرشاری دکناتوری برخانی "حزب کمونیست به فعالیت مخفی دست زد و در سال ۱۳۲۰ عده‌ای از اعضا آن بازداشت شدند و پساز تصور فانون منویت مردم اشتراکی (کمونیستی) محاکمه شدند.

تاریخ سی ساله ایران (۱) یک مجله مارکسیست بود که مطالعه و انتشار جهان گروه ۵۲ نفر (۱) را هدف فرار داده بود و اغلب افراد این گروه یعنی مادی (مارکسیست) را هدف فرار داده بودند. تا این گروه با عده‌ای در خارج از ایران با مارکسیم آشنا شده بودند. تا این گروه با عده‌ای از عاصم کارگر به منزله دست زدن به مارزاب کارگری به حساب نمی‌آید. اکثریت قاطع این گروه روش‌گرانی بودند که اغلب از خانواده‌های میانه حال خود و بورزوایی سیرون آمده بودند (درین اینها تعدادی از خانواده‌های مرده و اشرافی هیزون آمده بودند) گروه ۵۲ نفر در شرایط اختناق رهاخانی دارای یک خط مشی مبنی که رشد و نکامل گروه و پرداخت به مارزاب معمومی و توده‌ای را در بر داشته باشد. بود. در شهربور ۱۳۲۰ عده‌ای از این گروه‌ها توزی در زندان بودند و با ورود ارشن سرخ به ایران آزاد شدند و هسته اصلی خوب توده را تشکیل دادند در آغاز تشکیل خوب توده مهمترین کمود کم تحریکی راهبران و موسان این خوب بود که خود ناسی از نداشتن گذشته مارزابی و ملدان جنبش‌های سیاسی طبقه کارگر و محدودیت محلی‌های مارکسیستی در دوره اختناق بود. این کمود پایه و اساس بسیاری از کچ روی‌ها و کمودهای دیگر است. اگر موسان خوب توده در سالهای قبل در جریان مارزاب پرورش یافته و در

(۱) گروه ۵۲ نفر در سال ۱۳۲۱ به رهبری نظری اراسی تشکیل شد. که در سال ۱۳۲۶ بازداشت شد، اراسی نظری متکر گروه و عنصر صادق کمونیست بنی از دفاع از اتفاقات خود و خطبه رژیم در دادگاه سراجام در ۱۴ بهمن ۱۳۲۸ در زندان به شهادت رسید. این از تشکیل خوب توده روز شهادت او به نام روز شهداء انتخاب شد.

(۱) حزب کمونیست ایران به فرمان انتظامی سوم در ۱۹۲۱ از ورود ارشن سرخ بحث در انگلی تشکیل شد. موسمین این حزب فعلاً عضو حزب عدالت بودند که مرکز آن در باکو بود. از جمله موسمین حزب پشه وری، حیدر سو اوللو، احسان الله خان، آواستان جود و بعدها کامیش، دکتر جاوید و دیگران بودند که در تشکیل خوب توده شرکت داشتند. (پشه وری در سال ۲۴ غرفه دیگران آذربایجان را تشکیل داد.)

- تاریخ سی ساله ایران
- ۱- نفلت نسبت به مازرہ مد امیر بالیستی و سیاست انتشاری به احساسات توده ها نسبت به امیر بالیزم انگلیس
 - ۲- تبعیت بی فید و شرط از سیاست شوروی و اخراج از انتربالیزم بورلتی .
 - در ارتکاب اشتباه اول این عوامل دخالت داشتند :
 - ۱- عدم شناخت اهمیت مازرہ مد امیر بالیستی از جانب رهبری حزب توده
 - ۲- سی توجیهی جنبش کارگری جهان ، زیر رهبری شوروی نسبت به جنبش های رهافی بخش می .
 - ۳- صالح شوروی در جنگ دوم ایجاد نمکرد که بخصوص در سالهای اول جنگ ، همکاری با انگلستان و آمریکا خلیل نمی‌باشد امیر بالیزم انگلیس به مقابله امیر بالیزم حاکم در ایران متعدد شوروی محسوب می‌شود و مقابله با آن خایر صالح شوروی بود تبعیت حزب توده از شوروی و عدم توجه به مشمولیت سنگین خود ، در بعدها گرفته سال رهبری جنبش رهافی

دنباله از صفحه قبل
در برنامه خود این مطالب را گنجانده بود : ۱- تائید متروکه ایران و قانون اساسی . ۲- دفاع از دموکراسی و آزادیهای اجتماعی و ساسی در اولین برنامه ، از اصلاحات ارضی هم باد شده بود .

- تاریخ سی ساله ایران
- ۱۰- جرمیان عمل تعصیه می‌شدند و تحریمه " انقلابی آموخته بودند ، اگر آنها در جرمیان مازرہ و بزرگیهای حاچم " خود را به درستی می‌شناختند . و اگر مقابله دائمی با دشمن طبقاتی و استعمار به آنان شخصیت انقلابی بخشدند ، بودار همان آغاز میتوانستند علم و فرم عوامل خارجی یک خط مشی صحیح در بین گیرند ، این گمراهی که خود ناشی از رشد نایافتنی طبقه کارگر و سی تحریکی روشنگران انقلابی بود . پایه‌های اساس تحملی است که از حضورات رهبری حزب توده به عمل می‌آید .

حزب توده برای فعالیت خود قالب قانون اساس را در نظر گرفت و از یک برنامه " سپتا " دموکراتیک جایداداری کرد . مهمترین دلایل موسان حزب در اعلام نکردن مرآت‌های مترقبی اند این فرار بود :

- ۱- مطلب مانندگی جامعه و عدم آمادگی توده ها ، برای پذیرفتن یک برنامه مترقبی سر
- ۲- رعایت صالح شوروی در جنگ و نیاز به حسن رابطه با متفقین که نسبت به تشکیل یک حزب کمونیست ، مستقیم و با بسط مسائل خود ، نکس العمل نشان میدادند .
- ۳- مدعی بودن حزب کمونیست در قانون مجازات معمول ایران (۱) بهم ترین اشتباها حزب توده در آغاز عبارتند از :

(۱) - برای اشتباها با گروه ۵۲ نفر و برنامه حزب توده کتابهای : ۵۲ نفر نوشته بزرگ نلوی ، دفاعیات ارایی ، حزب توده ایران چه می‌گوید و چه می‌خواهد ، مرآت‌های و اساسنامه حزب توده مطالعه شود . حزب توده دنباله در صفحه بعد

نسلت از مبارزه، خد امیر بالستی و تبعیت کورکورانهاز اتحاد شوروی، کار را به آنها کشاند که حزب توده در مهرماه سال ۱۳۲۳ به پیشنهادی از پیشنهاد شوروی برای کتب انتیار نفت، در جلوه مجلس "چهاردهم" دست به تظاهرات زدند و نایابندگان عضو فراکسیون حزب توده با رسالتی از این پیشنهاد حمایت کردند. (سبب رسایی فقط ماهیت پیشنهاد شوروی که نایاب باصلاح و سوسالیزم و همیستی لینینی بود، نیست، بلکه این است که همین نایابندگان چندی پیش در همان مجلس با پیشنهاد استاندارد اوامیل آمریکا صریحاً مخالفت کردند و ایران را واحد صلاحیت برای استخراج نفت خود اعلام کرده بودند و حال ناجارا "حروف خود را پس گرفتند.)

حزب توده طی سالهای ۲۰ تا ۲۲ فعالیتهای خود را صرف امور زیرگرد: ۱- تشکیل اتحادیه های کارگری و نفوذ در این اتحادیه ها توجه فعالیت حزب توده در این زمانه در سال ۱۳۲۲ در صورت تشکیل "شورای متحد" مرکزی کارگران "ظاهرآ شد و کلیه اتحادیه های کارگری را زیر این منوان متعدد کرد.

۲- جذب عناصر روشنفکر و خرد، بورزوایی بطور کلی به حزب و آشنا ساختن اعضا فعال خودها جهان بینی مارکسیستی بخصوص بحورت تبلیغ مقاید سوسالیستی بین آنها.

۳- همکاری با عناصر لیبرال و ظاهرآ "لیبرال در زمانه مبارزه با دیکتاتوری و تعاپلات‌فاشیستی که قبل از جنگ و در سالهای اول جنگ (بس از اتفاق) در ایران بچشم میخورد.

شعار های حزب توده در این سالها: نان، فرهنگ، بهداشت کار

در ایجاد رابطه غلط با شوروی عواملیزیر موثر بخود:

۱- فقدان تجرب و شخصیت انقلابی در رهبری حزب (مانظور که فعلاً باد شد).

۲- حائمه، منی ایتالین در جنبش جهانی که بصورت تبعیت بس قید و شرط احزاب برادر از حزب گمینیست شوروی ظاهر میشد. این عامل دوم دست به دست عامل اول داد و رهبری بس تجربه حزب توده را به شوروی کورکورانه از حزب و دولت شوروی کشاند. تجرب جنبشی های همان سنان میدهد که رهبران انقلابی دیگر احزاب گمینیست. علم رغم متکلاش که از منی ایتالین ناشی میشد، توانستند خودرا از شوروی بس قید و شرط رهبری شوروی رها سازند و خط منی خود را علم رغم مخالفت پیهانی و با ظاهری اتحاد شوروی، دنبال کنند.

۳- در ایران منی ایتالین با شوروی معاشقی همراه بود. وجود حزب توده و سرنگون شدن دستگاه دیکتاتوری رهایخانی نهاد فدرات توده‌ها (معنی تکامل و رشد عوامل درونی و دینامیکی جامعه) بلکه با صربه، مکانیکی ناشی از جنگ دوم (معنی انتقال نظامی ایران) بدست آمد وجود ارتش سرخ عامل موثری در راستگی بین از حد حزب توده به دولت شوروی بود.

(۱)- حزب توده از گسترش خود در خوزستان تا سال ۲۲ خودداری کرد و اتحادیه کارگران نفت را پس از هایان جنگ به مبارزه کشاند و در سال ۲۵ انتساب خوینی کارگران نفت را رهبری کرد.

تاریخ سی ساله ایران
برخوردار بود . در شمال پنهانی در سال آخر جنگ و پک سال پس از آن خوب و شورای متحده سرکری شدیل به نیمه حکومتهائی شده بودند .

فرقه دمکرات آذربایجان

با طلبیه بايان جنگ، جبهه متحد شوروی و متفقین روبه ملاشی شدن گذاشت . برخوردهای حرب توده بادولت به موارات آن شدیدتر شد . تا بايان جنگ ساله خروج ارتشهای خارجی بین آمد و شوروی تابیل به خارج شدن از ایران نداد . در شهریور ۱۳۲۴ ایران تفاہای تخلیه نیروهای خارجی را کرد و در آبان ماه نیروهای آمریکائی برای ندادن بهانه به شوروی از ایران خارج شدند .

دولت شوروی که می دانست نیابت اند در ایران بماند در شهریور ۱۳۲۴ بدست پیشه وزیر و همکارانش فرقه دمکرات آذربایجان را تشکیل داد . خواسته های فرقه دمکرات در اول کار عبارت بود از :

۱ - تدریس زبان مادری (آزادیلی) .

۲ - تشکیل انجمن ایالتی آذربایجان .

۳ - اضافه شدن عدداد تعاپیدگان آذربایجان در مجلس .

۴ - تخصیص ۷۵٪ از درآمد آذربایجان برای صرف خود این ایالت . قابل از تشکیل فرقه در آذربایجان . جنتیهای چهل وجود داشت که

مهترین جنبش حروف به بارتون ها " است . این جنبش از سالهای ۲۱ تا ۲۴ در سراب و قره داغ جریان یافت . جانتین " غلام سعی " از جمله رهبران این جریان بودند . بارتون ها با پشتیبانی جدی شوروی روپروردند و مددای از آنها بازداشت شدند در سال ۲۳ بارتون ها در زندان سورش گردند . پس از حکومت فرقه زندانیان مربوط به این جنبش با مددای از

برای همه و انتاگری او رژیم اختناق رضاخانی و سارزه با عنابر در دست راستی (مثل سید ضیا) بود . سقوط دیکتاتوری رضاخانی و مسائل اقتصادی - اجتماعی ناشی از جنگ و ورود متفقین که به متغیر سلطی (۱) . بیکاری (ده هزار مهاجر از روستاهای به شهرها از جمله تهران رون آورده بودند که برای آنها کار و نان وجود نداشت) گرانی ، تیغوسو تورم شدید ظاهر شده بود . برای جلب نیروهای رزمتکش سوی حرب توده . زمینه " ساعدی فراهم ساخته بود . طی این سالها طبقه کارگر ایران داشت اولین تحارب جدی خود را فرا میگرفت و همینکی طبقاتی بینا میگرد .

قطع فشار دستگاه مشکلات اقتصادی برای خانواده های محولی شهرها موجب نارضای روشکران و توده بیرون روزاری نیز شد . بود و این موافق ملکوی اشتباها اساسی حرب توده . نیروهای عظیمی را سوی آن کشاند . شعارهای حرب توده که در چهار چوب یک برنامه دموکراتیک مطرح می شد . آنقدرها ، آشکار گشته ماهیت حرب نمود تا روابط آن با شوروی بعثای اولین دولت کارگری و سوسالیستی جهان . تائید متقابل حرب توده و دولت شوروی بجزله . تائید کمونیزم و پدروفتون یک برنامه سوسالیستی از جانب حرب توده تلقی میشد . حرب توده بخصوص در ایالات شما که در اشغال ارتش سرخ بود با سرعت بهشتی گشترش یافت . در مرکزیت حرب از حمایت و سرمی

(۱) در هفده آذرماه ۱۳۲۱ مردم تهران بر اثر قحطی نان و دیگر مواد غذایی دست به شورش زدند . شورش با تظاهرات دانش آموزان دارالفنون شروع شد و سرعت گشترش یافت مغازه ها غارت شد . در جلو میگشید . غرب گلوله مردم را سرکوب کردند و بلا فاصله حکومت نظامی برقرار شد .

داد و بعداً تغایری تشکیل مجلس بودن را گرد.
فرقه سرانجام فرمان انتخاب اجمع ایالتی را داد (در این انتخابات
به زنان نیز حق رای داده شد) در آبان ۲۴ همن انتخابات که از طرف
مرکز خبر قانونی اعلام شده بود پاسگاه های زانداری مورد هجوم قرار
گرفت و سرانجام پادگان های میانه . زنجان و سایر شهرهای نزدیک به
مرکز خلع سلاح شد . دولت مرکزی برای سرکوب ، شروع فرستاد که از جانب
ازتش سرخ در شریف آباد قزوین متوقف شد . در بیست آذر فرقه با گمک
کارگران و روشنگران که مسلح کرده بود . شیراز را تصرف کرد و فرمانده
پادگان دولتی شهر را تسلیم کرد . در رهاییه نیز برخورده روی داد که به
شکست دولتی ها تمام شد . در ۲۱ آذر سال (۲۴) اجمع ایالتی تشکیل
شد . که نام خود را به مجلس ملی آذربایجان تغییر داد و تشکیل دولت خود
مختار آذربایجان را اعلام کرد . روز بعد پیش وزیر کابینه خود را تشکیل
داد جزوی کرد کابینه مختار فائد وزیر خارجه نبود حزب توده که پیش از این
خود را تائید کرده بود با تشکیل حکومت خود مختار دچار محظوظ شد و
خود را از مالکتار کشید . دولت مرکزی که از اعمال قدرت ازتش سرخ
شیداً ناراحت بود . در دی ماه ۲۴ به سازمان ملل شکایت کرد . شورای
امنیت در پیوردهای سال ۲۵ رای به مذاکره طرفین برای توافق داد . در
هفت بهمن قوام با برنامه کنار آمدن با شوروی ها و تسان دادن سرمن
سرکار آمد و در آخر بهمن به شوروی سافرت کرد . سافرت قوام بیست روز
به طول انجامید و با مرتفعیت به تهران بازگشت . قوام با استالین پیوست
مذاکره کرده بود و در سه مورد به توافق رسیدند :
۱ - فرار داد نفت شمال تنظیم شد و موتنا " از جانب قوام امضاء

تاریخ سی ساله ایران

دولتی ها اس که بازداشت شده بودند محاوضه شدند . همچنین غلامحسن
خلف مسوز مانی در اطراف مراغه مسلح شده بود و نا چند مد سوار مسلح
داشت . که عده ای از آنها گرد بودند . این عده انبار مالکان را مصادره
میگردند . در سال ۱۳۲۱ این عده (بناب - آذرشهر - مراغه) را مورد
حمله قرار دادند . اینها مای تور وی ها همکاری نمیگردند طی سالهای جنگ
شوروی به حیطه ایست مطلقه اهمیت زیادی میداد و مانع گسترش چشمها
بی شد . چشمها کوچک تری نیز وجود داشت که نیاز به ذکر آنهاست
حزب توده مانند دیگر ایلات اندیلی ازش سرخ در آذربایجان فعالیت
ریادی داشت و در شیراز گمته ایالتی داشت و در شهر و روستاهای پیرامون
آنها نفوذ کرده بود . علاوه بر این در همان آغاز ورود ازش سرخ " اجمع
آذربایجان " تشکیل شد که با پیش وزیر تعاون داشت (پیش وزیر
موضع دنیو روزنامه آذربایجان بود .) در تشکیل فرقه از حد نظر رجال
سرشناس و آزاد بخواهان قدیمی استفاده کرده و اعلامیه هایش را به اصحاب
آنها رساند پس از اعلام موجودیت فرقه " گمته ایالتی حزب توده " در شیراز
پس از بیست روز بدون کسب اجازه به فرقه پیوست و خود را محل کرد .
تشکیل فرقه و انحلال گمته حزب توده رهبران حزب توده را غافلگیر
کرد و موجب برور اختلافاتی بین آنها و فرقه شد و سرانجام پس از امراز
یک هیئت رسیدگی سه نفری (خلیل ملکی ، شاندرمنی و یک نفر دیگر) با
واسطه حاکمیت شوروی ها اختلاف پس از فراغت شد . " میر جعفر باقراف "
بخت وزیر آذربایجان شوروی از تشکیل فرقه و ایجاد حکومت خود مختار
در آذربایجان بندت حیات کرد و شابلات برای پیوستن دو آذربایجان
را دامن زد . فرقه " دموکرات طرف سه ماه . سازمان های خود را تشکیل

استاندار به تهران آمد و به این توافق ها رسید :

۱ - افسران ارتش که به فرقه پیوسته اند بعنوان افسر ارتش ایران در فرقه شناخته می شوند و فرمانده ارتش فرقه از مرکز و حاون او را انجمن ایالتی تعیین می شود . افسرانی که در ماجراهی حمله به پادگان گشید تحت فرماندهی سرهنگ توافقی و سرگرد اسکندرانی در شهریور سال ۲۴ شرکت داشتند و به تورویی فرار کردند . به تبریز بازگشتند . (۲) بهر حال ملاوه بر این عدد تعدادی افراد ارتش وزاندار مری از مرکز و دیگر شهرها به آذربایجان رفتند و در اختیار فرقه بودند . علی‌رغم مقدم بعنوان فرمانده و پیغامبان بعنوان حاون او انتخاب شدند .

۲ - ندانیان فرقه بنام نگهبان جانشین زاندارم می شدند (فدائیان از اعضا فرقه و طرفداران آن در روستاهای قصبات تشکیل شده بودند و شروعی بود که فرقه به کنک آن حکومت را بدست گرفت . عداد این شروعها در پایان کار فرقه هشتاد هزار نفر ذکر شده است .) ارتش فرقه از داوطلبان خدمت وظیفه تشکیل شده بود .

۳ - توافق شد که زنجان به دولت مرکزی تحویل شود ولی در عرض

(۱) در تهران جاورد پیش شاه پذیرفته شد . حتی شاه صد هزار

تومان از جیب خود بعنوان کنک به لوله کشی تبریز داد .

(۲) حمله به گشید که در آن ۱۶ نفر از نفرات زیر دست آنها شرکت داشتند . ظاهرا " بدون موافقت حزب توده و دولت شوروی به عمل آمد " بود .

شد و تصویب آن به تشکیل مجلس پانزدهم موکول شد .

۲ - قرار شد که دولت ایران مثله آذربایجان را از راه سالیعت آمیز حل کند و به شروعی نظامی متول نشود .

۳ - ارتش سرخ از ایران خارج شود . همان " قواں قویل داد که متابع شوروی را در تمام زمینه ها رعایت کند و با حزب توده همکاری نماید .

در اردیبهشت ۱۳۲۵ به شوری هرای مذاکره به تهران می‌آید (۱) مطفر پیروز از جانب دولت به تبریز می‌رود ، مذاکرات فرقه با تهران به تائیج پیش می‌رسد :

۱ - در آذربایجان انجمن ایالتی رسیدت می‌باشد به مجلس ملی

۲ - تدریس زبان مادری قبول می‌شود .

۳ - آذربایجان دولتی از خود نخواهد داشت و استاندار آذربایجان از جانب انجمن ایالتی به مرکز پیشنهاد می‌شود و مرکز میان دو نفر میکنی را انتخاب می‌کند .

آن توافق ها که با مشورت و توصیه " شوروی ها به عمل آمد عقب نشینی آشکاری هرای فرقه بود . بس از آن نایابوی وی و زارتخته پائین آمد و سرانجام سلام الله جاورد بعنوان استاندار تبریز پیشنهاد شد و بعنوان

(۱) در این موقع در تهران جبهه دموکراتیک از حزب ایران و فرقه

تشکیل شده بود و رهبران حزب ایران در ضیافتی که به انتخاب پیشنهاد شد و همراهانش برای این مدد شرکت داشتند حزب توده در تفسیری که از همکاری خود با حزب ایران کرد آن را تعبیه بوروزواری ملی اعلام کرد .

خوزستان خرگت نفت حاکمیت مطلق داشت . صباح فاطمی توکر حلقه بگوش شرکت بود . حزب توده کوچکتر مخطوط جنگ دوم را نداشت . کارگران را تحریک و رهبری میکرد . شرکت نفت از مناصر عرب و هندی برای تفرق استفاده میکرد . اعراب نیمه نشیوه ای مسلح شده و تهدید داشتند برای کارگران نفت بشمار میآمدند . در چنین زمانهای اعتصاب با خواسته های زیر شروع شد :

عزل صباح فاطمی استاندار . خلع سلاح مشارک . عدم مداخله شرکت نفت در امور داخلی ایران . پرداخت مستمر روز جمعه و مزایای کارگری . اعتصاب در روز جمعه ۲۳ تیرماه آغاز شد و بعد از ظهرین کارگران و اعراب درگیری شد که با دخالت اعراب مسلح و نیروهای مسلح دولتی عدهای از کارگران کشته شدند .

ارتضی سرخ در خرداد سال ۲۵ (با راحت شدن خیال شوروی ها) از ایران خارج شد و دستگاههای که چند ماه در حایات کنڑاند در سپرمه سال ۲۵ مشارک شفافی ادعای استقلال فارس را کردند و بوشهر را اشغال کردند ولی دولت با آنها مذاکره کرد . خوش جنوب . عکس العملهای بود به نیمه حکومت های فرقه دیگرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان . مقارن خوش شفافی ها . کابینه انتلاقی سقوط کرد و وزرای حزب توده از دولت خارج شدند . روزنامههای حزب توده بنای اتحاد را از قوام گذاشتند . زمینه برای تهاجم به آذربایجان فراهم شد . آمریکا با اعزام " جو اکن " به ایران پشتیبانی خود را از لشکر کشی به آذربایجان اعلام داشت .

دولت پعنوان آماده کردن زمینه انتها باین نیروی نظامی به آذربایجان گشل داشت . از ۱۴ آذر ارتضی خرگت کرد . دولت مرکزی مقارن خرگت

تاریخ سی ساله ایران ۲۰
ناحیه جنوی آذربایجان (تیکان نه) به فرقه داده شد (۱) انتخابات مجلس پانزدهم سر قرار نداشتم شود . پس از مذاکرات قوام در شوروی کابینه او ترسیم شد و سه نفر از رهبران حزب توده (بزرگی ، اسکندری . کشاورز) (۲) وارد کابینه شدند . حزب توده بین از همینه در مرکزو سار نیروها قدرت یافت بود . در اول ماه مه ۱۳۴۵ بزرگترین نایاب کارگری در حضور هشت و اعضا اعزامی از گنبدراسون جهانی کارگران (سه نفر بودند که رئیس هیئت لویی سایان دیگر فرانسوی گنبدراسون بود) بروگوار شد (حزب دموکرات قوام که اتحادیه های دولتی را تشکیل داده بود به نایابی های مشابه دست زد و این اتحادیه های نزد معروف شدند تفاصلی عضویت در گنبدراسون را داشتند ولی شورای متحده مرکزی به عضویت پذیرفتند) .

در سه ماه همنی سال بود که اعتصاب کارگران نفت بر پا شد . در

(۱) در مذاکرات تهران صالح حزب دموکرات کردستان و حکومت دموکرات کردستان نیز مطرح و در ازای زیجان محبت گرفت . سرداشت و مستقر که در محاصره نیروهای گرد بود به سیان آمد .

(۲) بزرگی وزیر سهداری و کشاورز وزیر فرهنگ و اسکندری وزیر کار و بهشت و هنر بود . این نوع انتخاب با شمار داشتی حزب توده از تسلط نبود . (فرهنگ . بهداشت . کار) دستگاه میخواست در همن دست حزب توده را در پوست گرد و بگذارد .

۴۴
بودند) مخالف فرقه بودند هر چندگه در تبریز و شهرها دست به اقدامات مسوانی از قبیل لوله کشی را دیدو، دانشگاه و مانند آن زد در روز تهاها اعلام کرد که ملک‌مالکی که گریخته بدھقانان علی‌خواهد گرفت. ولی کسانی که مانند ماند حق مالکیت و بپرسی مالکانه دارند ولی علاوه بر جا دھقانان تعامل نشان میدادند، مالکان بعیتوانستند بپرسی مالکانه بگیرند در مورد پاره‌ای نواحی عقب ماندگی و اعتقادات مذهبی و تحربیک روحانیون محلی موجب میشد که سهمیه مالکان گریخته نظر شبانه به انبارهای ارمابیں حمل شودند سهم دھقانان حلال باشد "جهیندی عملیات فرقه ما را به

نتایج زیر می‌ساند:

۱- فرقه دموکرات دارای زمینه‌های ملی و انگیزه‌های توده‌ای متوجه بود ولی این زمینه‌ها و انگیزه‌ها بحدی رشد نیافته بود که برقراری حاکمیت فرقه را ایجاد کند.

۲- فرقه دموکرات عجمولان و بنا به مصالح نوری شوروی تشکیل شد و قبل از اینکه نیروی سازمان یافته و شایسته ای داشته باشد با حفایت ارتش سرخ دست به عمل زد و حکومت را بدست گرفت.

۳- واپسگی به شوروی و تظاهرات چپ از طرف عناصر فرقه است بورزویاری را رم داده بود فتودالها و مالکان و سرمایه داران بزرگ و عنابر و خوانین دیگر مرتجعین مثل روحانیون آذربایجان با دولت مرکزی بودند فرقه اندام کردند. در واقع هنگام هجوم به آذربایجان یک نیروی محلی دخالت که ناجیز هم نبود بر ضد فرقه عمل می‌کرد.

۴- فرقه در پایان مکال حکومت خود، قدرت مقاومت و حتی نریم گویند ارتش اعزامی را داشتند ولی همانطوری که با توصیه

ارتش غرفه را با تبلیغات را دیموکری زیر فشار می‌گیرد. و مردم را به طبقه از خد غرفه دعوت می‌کند. فرقه آذربایجان دچار التهاب می‌شود. نیروهای خداشی و هزاران نفر تفاہای پیوستن به ارتش و عملیات نظامی گردند. پیشنه وری اعلام کرد. فرقه می‌جنگد و عقب نشینی نمی‌کند. در این ماصله دولت شوروی به غرفه اعلام می‌کند که نسبتواند از نیروهای فرقه حفایت نظامی کند و توصیه عقب نشینی را میدهد. پس از اعلام نظر شوروی، کمیته مرکزی فرقه در مقابل دوراه حل فرار می‌گیرد.

۱- عقب نشینی به شوروی.

۲- عقب نشینی به شوروی.

ا- اخباری که از عملیات ارتش و نیروهای مسلح طرفدار دولت مرسید مانند بخنی پذیرفتمن قتل عام بود. بنابراین عقب نشینی انجام شد. بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر به شوروی گریختند دولت‌کار چندی قبل عناصر را مسلح کرده (توسط ذوالفقاری‌ها و شفیق و بختیار و مانند آنها) و عناصر مخالف فرقه را بسیج کرده بود. اجزاء داد که این نیروها در جلوی ارتش بقاایی فرقه را قتل عام کنند. نیروهای ارتش به روز در باستعف شدند، قریب بیست نفر بودند که از آن جمله فریدون ابراهیمی دادستان تبریز در دوره فرقه بود.

نیروها و اقدامات فرقه:

فرقه از نیروی رحمتکشان شهری (که از محل براهمون حزب توده تشکیل شده بودند) و در برخی نواحی از پیشتیانی دھقانان بروخوردار بود کارگران و روشنفکران طی مکال حکومت فرقه از آن حفایت کردند ولی بورزویاری و قشنهای خرد بورزویاری (بخصوص کسبه که تحت نام نیرو روحانیون

تاریخ سی ساله ایران

۲۵ طلبانای که از جانب رهبران و وابستگاه فرقه آنکار شده بود (۱) نه فقط در بورزوایی فارس (اصم از ملی و کمپرادرور) بلکه در خرد، بورزوایی نیز عکس العمل ایجاد کرده بود. انکاس این عکس العمل حتی در حزب نوده آنکار شد.

۹ - هلب نشین فرقه پس از شدارک شروهای مسلح بدون نرگزی سلحنه جدی، فرار بیست هزار نفر به شوروی و قتل عام ۲۵ هزار تن از طرفداران فرقه به جنبش کارگری و جنبش رهایی سخن ملی در آذربایجان فرمیه جهان نایابی وارد کرد.

۱۰ - شگفتزده ب تمام جنبش کارگری در ایران فرمیه زد و نقطه اول این مبارزات که از مال ۲۰ داشتا رو به رخد داشت به حساب می آید.

شگفت فرقه به خوشبینی ها و امدادهای بسیار در افراد و رعایت حزب نوده خانمه داد و اولین شکنی بود که در داخل و خارج حزب انکاس جدی تری پیدا کرد. احساسات خرد، بورزوایی در جهان آذربایجان جریمه دار شده بود و در رهبری حزب منعکس شد. این احساسات با وابستگی بین قید و شرط رهبری به شوروی برخورد پیدا میکرد و گرچه در داخل حزب حملهای به شوروی نمیشدند، هذلک بطور نمر مستقیم سایت

(۱) پیر با خانم آذربایجانی که وزیر فرهنگ فرقه بود شعری سروده بود که در آن از ارس گلایه میگرد که راهیان خلق ترک جدانی افکنده است احساسات وحدت طلبی با آذربایجان شوروی خود بخود مبنای تحریه از ایران تلقی میشند.

کار خود را آغاز کرده بود در مقابل توصیه شوروی ها مقاومتی نکرد.

۵ - دولت شوروی که با این اقدامات بیخواست امتحارات سوییتی را که در جنگ بدست آورده بود، در ایران حفظ گند. علاوه بر این داد که در سعادت های خود انتقام کرد، باستو با توجیه قیام و حاکمت (بدست گرفتن حاکمت) در سال ۲۲ و توجیه عقب نشینی در سال ۲۵ دچار تناقض شده است. (کسانی که از بسب اتفاق آمریکا و جنگ چنگنگو میگشند، باید بدانند که اولاً هنگام تشکیل فرقه بسب اتفاق در زاین بکار رفته بود و برخوردهای شدید کوئیت ها و کوئین تانک پس از پایان جنگ با زاین در سال ۱۹۴۶ (۱۳۴۵) هنوز آغاز نشده بود).

۶ - حزب نوده در جهان فرقه نه فقط به دنباله روی و همبستگی از سیاست شوروی ادامه داد، بلکه در عین ماهیت و خصوصیت مرتبه همچون قوام دچار خوش بینی شد. (۱)

۷ - رهبران فرقه به خاندهای خلق ترک و فارس برپا داده و نهاده تاریخی این دو خلق و همبستگی، بورزوایی و فلودالیزم و حتی خرد، بورزوایی فرقه ترکرا با طبقات حاکم کم بسا داده بودند. تعابرات تجزیه

(۱) روزنامه های حزب نوده در سال ۲۴ از دمکرات منشی قوام و سوابق آزادپسونی او باد میگردند و در آستانه بروز اختلافات در شهر بور ۲۵ از غیراین خصوصیات و تعابرات دیکتاتور مأبانه "حضرت اشرف" شکوه میگردند.

بود و چند مجله و نشریه "دیگر نیز از طرف حزب دمکرات کردنشین منتشر شد" (۱)

اعضای موئن و موسان حزب دمکرات فاضی محمد ذبیحی، هاب ملوریان ایوسی، سلطانیان و دیگران بودند. برادر فاضی محمد بنام صدر فاضی در دوره چهاردهم تعیینده، مهاباد در مجلس شورای ملی بود. حزب دمکرات کردستان در گنگره، اول خود (در سال ۲۳) روی زبان کردی و آذری خلق کرد و خود مختاری کردستان کم و بیش ناگفته کرد. موسان حزب دمکرات کرد هیچیک دارای سوابق کوئیستی نبودند و شبکه‌ای از حزب نبوده در کردستان وجود نداشت. مقامات کوشاها فرقه دمکرات آذربایجان که برای بدست گرفتن حاکمیت بعمل آوردند، در کردستان نیازی به این کوشاها نبود زیرا از مدتها پیش در کردستان نیروی سلاح دولتی وجود نداشت بنابراین در مهاباد انتقال قدرت بدون برخورد سلحنه انجام گرفت.

در دوم بهمن سال ۲۴ فاضی محمد از طرف مجمع ملی بنون رئیس دولت جمهوری دمکرات کردستان انتخاب شد و کابینه خود را تشکیل داد. دولت خود مختار کردستان از جانب حکومت مرکزی به همچ وجه پذیرفته نشد و نیروهای دولتش در سفر و سردشت در مقابل نیروهای سلاح کرد قرار گرفتند نیروهای سلاح کرد اساساً نیروی داوطلب شهری بودند و عده‌ای از عشایر تحت رهبری روسای خود با دولت کرد همکاری نیکردند و

(۱) - مجله‌های نشنان (سین)، آوات (آرزو) از آن جمله‌اند.

شوریی مورد اعتراض نیز نگرفت. ارسوی دیگر ضرورت تکامل حزب احساس می‌شد. از همان روزهای نخست کتابی بودند که ضرورت ابطاط حزبی و تعلیمات مارکسیم - لئنینیم را ناگفته نیکردند. مکجناح "جوان و هم" هم در رهبری حزب شکل گرفته بود. نام این جناح بندی‌های داخلی بین ازند سال ۲۵ تشکیل شده و حزب را با ستکلات داخلی، روبرو ساخت. یکی از مظاهر این اختلافها، انتخاب سال ۲۶ بود. لیکن قبل از حینی‌دی این انتخاب، باید نکاهی به جریان تشکیل فرقه دمکرات کردستان و حاکمیت آن در کردستان بیندازیم.

حزبه دمکرات کردستان

خلق کرد که در قرن اخیر همراه مورد تعاویر عتمانی و ایران فوار داشت، بادگرگوییهای ساسی بس از جنگ جهانی اول در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه زیر حاکمیت فارسی‌ترک و عرب فرار گرفت. قبیل از طبیور حینهای ترقیخواهانه خود مختاری خواهی‌کرد و سپس شورهای عتایر (از قبیل اساعیل آفاریس ایل سکاک) علاوه بر گردشکشی‌های خانه‌ای مطیر تعابلات ملی گرد ها نیز بوده است. ولی حینهای ترقیخواهانه با شورهای ملی گردها نیز در عراق و تشکیل فرقه دمکرات کردستان در عراق آغاز شد، هسته‌های حزب مبدأی (امد) عراق در دوره، رضا خانی در ایران بطور محلی موجود آمده بود بس از شهریور ۲۰ سیدریح این هسته‌ها بهم تزدیک شدند و در سال ۲۱ "کوموله ز-گ" (حیثیت زندگی کرد) را تشکیل دادند. کوموله ز-گ یک جویان اسوبالیست مترقبی بود. در سال ۲۳ کوموله به حزب دمکرات کردستان تبدیل شد و فعالیت ملی خود را آغاز کرد، هارگان حزب روزنامه "کردستان"

— ظایع سی ساله ایران —

عدمای نیز زیر سلطه سران خود با آن مخالفت می‌ورزیدند^(۱) در اواخر کار دولت کردستان به فکر ایجاد نیروی لوی و منظم افتاد ولی تعداد این نیروها که از میان مردم دولت انتخاب شده بود زیاد نبود و هنوز عملیات و سازمان کافی نیافتد بودند. مگی از عوامل موثر در ایجاد و ادامه جنبش دمکرات که دموکریت اهل با رژائی بود. این پارزائی در اواخر سال ۲۲ و اوائل سال ۲۳ می‌باشد از برخوردی که با دولت عراق پیدا کرد بود در سال ۲۳ به حرب دمکرات پیوستند - "ملائمه" فرمانده نظامی و "ملا احمد" رئیس رسمی پارزائی ها بودند. پارزائی ها هست اساسی نیروی سلح کرد به حساب می‌آمدند ولی بجز آنها مردم شهر (کتبه، بیشه، وران، و روشنکران) و عدمای از متابر مسلحانه از حکومت کرد دفاع می‌کردند. در آن دوره دهقانان کرد که اساساً نیمه دهقان و نیمه ایلانی بودند و با پیوندهای قومی و خونی مربوط می‌شدند، افتراضی به نظام استشاری نیمه نژادی و نیمه تباشی نداشتند^(۲) تا پایان ماجرای نیز دهقانان در حیثیت متابر نهضه قایون نقش نداشتند. مرکز دولت کردستان سهایاد بود و شهرهای ساندویچ، بوکان، خانه نقده بطور کلی کردستان شمالی تحت حاکمیت

(۱) - عشاپری که با دولت دمکرات هنگاری می‌کردند عبارت بودند از: "بلایقه" مادری از اهل مامش و تا حدی اهل هران و آنها که مخالف بودند عبارت بودند از خانواده امیر عشاپر از اهل مامش و اهلب عشاپر جنوبی.

(۲) - سه ره مالکانه در کردستان تا حدی تعدیل شده بود. از گندم پنج بگ وار توتون نصف از چهند رش بگ سوم سهم ارباب بود.

ظایع سی ساله ایران

۲۹

آن قرار داشت . سقز و سردهشت در محاصره بودند^(۱) رهائی با همکاری دولت کرد و دولت آذربایجان اداره می‌شد . دولت دمکرات رهان کردی را در مدارس رسید داد .^(۲) ایستگاه رادیویی نامیس کرد و در صدد ایجاد ارتش ملی برآمد . چاپخانه‌ای نیز برای انتشارات نامیس کرد بس از آنکه در تهران جبهه دمکراتیک از طرف حزب پوده، حزب ایران و فرقه دمکرات آذربایجان تشکیل شد . حزب دمکرات کردستان نیز به آن پیوست مذاکراتی که بین رهبران فرقه و حزب توده‌گریکطرف و دولت فوام از طرف دیگر انجام شد مسئله کردستان نیز مطرح شد و بعد سلطانیان نیز به صدر قاضی که در تهران بود پیوست و با واسطه حزب پوده در مذاکرات دولت شرکت کردند از آن پس من دولت و کردها آتش می‌بردارند و دولت مانند آذربایجان تا حدودی حقوق کردها را به رسیدت شناخت پایان ماجرا نیز مانند آذربایجان پیش آمد . ارتش بعنوان تعصی آزادی انتخابات عازم مهاباد شد . چند روز پس از پایان کار تبریز ارتش با مسلط وارد مهاباد شد تا جایی که قاضی محمد بی آنکه عنوان خود را داشته باشد با فرمانده

(۱) - ارتش سرخ کردستان شمالی را اشغال کرد و لی واحدهای رزمی خود را در کردستان مستقر ساخت (پس از اشغال متدرج به آذربایجان پار گرداند) سندج و شهرستان های اطراف آن مقطعه شمالی در اشغال ارتش انگلیس بود . دولت دمکرات در منطقه اشغالی ارتش سرخ مستقر شد .

(۲) - برای انسان حقوق افکتیها . حتی مدرسه سهودیان مهاباد در این دوره به زبان هیری آموزش می‌داد در حالی که سهودیان بین از سی خانوار بودند .

تاریخ سی ساله ایران
(۱)

کشش اعدام شدند. دولتی ها گرچه از پشتیبانی عتایر نیز برخوردار بودند (علاوه بر عتایر مختلف دمکراتها، عتایر دیگر نیز با احساس حاکمیت فریب الواقع دولت مرکزی میخواستند از دیگران عقب نمانند) دست به قتل عام در کردستان زدند و به اعدام قاضی و اطراهیانش و بازداشت حدود دویست نفر از افراد مؤثر حزب دموکرات اکتفا کردند. حدود هشت و بیست نفر از این عده پس از محاکمه در تبریز مهاباد، رضانیه و سفر زندانی شدند.

جهتی جنیش کردستان ما را به نتایج زیر مرساند:

- ۱- ناسیونالیزم کرد در کردستان واقعیت جدی داشته و دارد و کرده است ملی را بعرات از ترکها بیشتر احساس میگردند. اینجا زینه مساعدی برای حرکات استقلال طلبانه حزب دمکرات بود.
- (۲)- خودهای خرد بورزوی شهری شوروی عده "جهتی دمکرات کردستان بودند و عثایر و عقایان نقش عده ای در این جنیش ایفا نکردند.

(۳)- با عقب نشینی فرقه، ادامه مقاومت مسلحه و حفظ دولت کردستان غیر معکوب و بخصوص که عثایر و عقایان آمادگی برای حفایت

(۱)- قاضی محمد و برادران و سنتانشیک هفته پس از ورود ارتش به مهاباد بازداشت شدند و در ۱۵ فروردین سال ۲۶ چهار نفر و پس از یک هفته سه نفر در مهاباد و ۵ پا ۱۵ نفر در سلفز اعدام شدند و سرشاری ترین اعدام شدگان: محمد قاضی، سیف قاضی، صدر قاضی، مازوحنی، فاطمی، نقدیانی، روشنفکر، علی بیک بک شده بودند.

تاریخ سی ساله ایران
۳۰

ارتش باب مراؤده را گشود. قبل از ورود ارتش همان ساعتی که در تبریز پیش آمد بود در مهاباد نیز بوجود آمد، گمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان نیز با ملله رفتن با ماندن روبرو بود، از همان وقت عقب نشینی فرقه مسلم بود و بیش جبهه کرد ها حالی ماند. قاضی محمد و کشش (سیف قاضی و دیگران) تصمیم گرفتند بمانند و حاکمیت دولت را بهزیرند ولی بارزائی ها تصمیم گرفتند بروند. ملا مصطفی و فاعل آنده را پیش بینی میکرد و از قاضی محمد میرا "میخواست که با او عقب نشینی کند تا جنیش کرد زنده بماند ولی قاضی محمد عقب نشینی را بعنی گرسختن میگرفت و میگفت نمیشود زن و بچه" مردم را در مقابل عثایر و ارتش بین پناه گذاشت سرانجام ملا احمد و ملا مصطفی با افراد ایلیه "خانه" عقب نشستند و در آنجا ملا احمد زنها و بچه ها و افراد ایل را به عراق بار کردند. ملا مصطفی و حدود ۵۰۰ نفر با جنگ و گیری در دردوی خط مرزی ایران و عراق و سهی ایران و ترکیه به طرف سوری عقب نشستند و سرانجام به سوری پناهندۀ شدند. (۱)

رفتار مالت جویانه قاضی با دولتی ها، احساس مردم را جریحه دار ساخت تا حدی که او را مورد طعن و دستام قرار مدادند ولی بزودی این دوره مالت پایان یافت و قاضی و کشش بازداشت شدند قاضی حامر نشد علیه منافع و احساسات خلق کرد اقدامی بعمل آورد و سرانجام او و

(۱)- ملا افرادش سرانجام در دوره "عبدالکریم فام" به عراق بازگشتد و در اوخر حکومت فاهم برس خود مختاری کردها در شمال عراق با دولت فاهم درگیر شدند.

در سال ۲۶ اختلافات داخلی حزب توده بالا گرفت ملکی و خامنه‌ای روی مقاید خود پانشیاری می‌کردند، همانطور که قبلاً "ماد شد ملکی"، جزو ۵۶ نفر بود و در هیأت اعزامی به آذربایجان عضویت داشت و در سال ۲۵ نزد معاشر به دعوت حزب کارگر انقلابی مأموریت به آنجا کرد و بعد (پس از انتساب ملکی) متهم شد که در سفر ائلستان خوبیده شده (ملکی در هیأت بازرسی اعزام به کادرهای سابق حزب توده، که با تشکیل فرقه مخصوص آن شده بودند) در زمینه "جب روسی و آشکار ساختن تغایرات خود نسبت به شوروی ایران‌آتشی گرفته بود قبل از نزد جناح "جوانها" به حزب ابراد می‌گرفت.

پس از شکست فرقه اعتراضی بلند تر شده بود و (روشنفکران) و هنرمندان را دور خود جمع کردند و جلال آن احمد که مدتنی سرد بوری ماهنامه "مردم را بهده" داشت از جمله این افراد بود با نشان دادن احساسات ضد شوروی و انتقاد صریح از ماجراهای آذربایجان، ملکی پندریج از دیگر "جوانها" جدا شد و تنها ماند، بعد از هنگامیکه از حزب انتسابی کرد عده، قابل توجهی با او همراه شدند در راس اسن انتسابی‌ها . ملکی خامنه‌ای آن احمد فرار داشتند خنجری نزد از جمله آنها بود ملکی و هنگارانش خود را مارکسیست‌واصی و صدیق اعلام میداشتند و ظاهراً انتظار نا شد شوروی را با حداقل بیطری آنرا داشتند ولی بدلاً از این انتظار بجا بود حزب توده‌دار دولت شوروی کمک گرفت و رادیو مسکو انتسابی‌ها را مرتد اعلام کرد آنکاه حزب ۲ روز به انتسابی‌ها نرسحت داد تا به حزب

از جنبش گرد را نداشتند.

(۴) - حزب دمکرات کردستان نزد مانند فرقه پیش از آنکه آمادگی لازم را در تردد ها بوجود آورد، سازمان مناسب بوجود آورد و دولت استفاده کرد و در کردستان شالی حاکم شد.

۵ - محدوده بودن جنبش به شمال کردستان بکی از کمودهای مسدود آن بحساب می‌آید.

۶ - ریشه های واپسی جنبش گرد و آمادگی نسیم نظامی کردستان باعث شد که حکومت مرکزی نتواند جنبش را بشدت سرکوب کند و در نتیجه مجدداً در سال ۱۳۲۶ هسته های حزب دمکرات ایجاد شدو بعد ها نزد حزب توده (برخلاف آذربایجان) در کردستان بنام حزب دمکرات عمل می‌کرد . (۱)

۷ - در دوره مهاجرت افراد بازرانی و رهبر آنها، علم رسم منکلات توانستند همینگی خود را حفظ کرده و خود را به دولت شوروی بپهلوانند و این امر در ادامه جنبش گرد در منطقه بوئن افتاد.

(۱) حزب توده در سال ۲۶ این هسته را به رسمیت تناخت ولی در سال ۲۸ پس از تجدید سازمان و شروع فعالیت مخفی آنرا به رسمیت تناخت . در سال ۲۷ در حدود چهل هزار اعضاً حزب دمکرات را قبل از (۱۵ بهمن) در دی ماه پاره داشت گردند.

پار گردند و البته رهبران انتسابی چنین فرمتی دادندند به، از جدایی پندریج ملکی از مارکسم روی گرداند و به دشمن شوروی، حزب توده تبدیل شد مارکسم - لئینیم را نیز تحمل کرد مجله ملم و زندگی ارگان ملکی و هنکارانش و (کار و اندیشه) هر دو منعکس کننده، افکار ایشور خامنه‌ای و ملکی بود ملکی بعد به فعالیت خود ادامه داد، اسرائیل به حزب رختکشان میانی پرس است در آنجا مبارزات خود را با حزب توده ادامه داد در دوره "هنکاری ملکی" با میانی مطالب فقط در یک روزنامه "شاهد" از جانب ملکی تنظیم میشد، رهبرانی که قبلاً با ملکی نویس فراکسیون تشکیل داده بودند در جریان انتساب با دیگران (به رهبرها) در یک صف قرار گرفتند و رهبری حزب که در زیر ضربات شکست آذربایجان قرار داشت شعار وحدت را در مقابل طرح کرد، و اختلافات داخلی را سریوش گذاشت پساز شکست آذربایجان هزاران نفر از حزب و همایون آن جدا شدند و ملکی بر ضد حزب توده از جانب حکومت بحثت دامن زده شد حزب سپاس دفاعی در پیش گرفت گروهی از رهبران و مسئولان از حزب جدا شدند در نتیجه حزب در بالا و پائین ابعاد کوچکتری پیدا کرد و شکست آذربایجان و انتساب سال ۲۶ مسائل تاریخی برای حزب بوجود آورد این دگرگونیها را مهتوان چنین جھنبندی گرد

۲۵
باشیدن مبارزه
۲ - روابط بین المللی جنبش کارگری عامل تعیین کننده‌ای در تأثیر و با تکمیل رهبری بود.

حزب توده از این عامل برای کوییدن انتسابیها استفاده کرده در جنان موقعتی جدا شدن انتسابیها به منزله جدا شدن از جنبش کارگری بود حرکات بعدی انتسابیها این عملت را به خوبی نشان داد.

۳ - حزب توده زیر برجم مبارزه با انتسابیها توانست مانع مریز مبارزات سازنده در داخل حزب شود، بخصوص اثر سازنده "شکست سال ۲۵ را بامن و سبله از هم برد" (در هر شکست همن اینکه جنبش آسیب‌های جدی من مبتدا این جنبه دیالکتیکی شکست نیز ظاهر می‌شود که زینه برای تکامل مبارزه و تحفه مادی و ذهنی حزب، سازمان آماده می‌شود)

۴ - پس از شکست و انتساب افرادی که در حزب ماندند تصورات واقعی تری از مبارزه و راهی که در پیش‌دارند پیدا گردند و با از هم رفتن تصور پیروزی نزدیک عناصر فرمت طلب و ترسو از حزب بزیدند پس از شکست آذربایجان گرچه حزب توده غیر قانونی شد ولی فشارهای جدی را می‌بایست تحمل کند، حزبی که در پنهان ارشن سرخ حرکت خود را آغاز کرده بود اینک می‌بایست روی پای خود بامستد پس از انتساب حزب خود را برای تشکیل کنگره دوم آماده می‌گرد (کنگره اول سال ۲۲ تشکیل شده بود) کنگره دوم در بهار سال ۲۷ تشکیل شد و کمیته "مرکزی و کمیته" ایالتی تازه را انتساب کرد، اختلاف جناحی‌های داخلی موقتاً "سریوش گذاشتند ولی ملا" ادامه بافت، کنگره توجیه رهبری از شکست آذربایجان را تأثیر کرد توجیه رهبری تأثیر بی موقعیت جهانی دو اردوگاه و نیاز شوروی به ساختن پس

تاریخ سی ساله ایران از جنگ خود و بدادن بهانه به تعریف امیر بالیسم آمریکا بود.

پس از کنگره مسلمان‌آذربایجان و پاسخ گفتند به آن طبق استانداردهای رهبری یکی از ملکهای عینی مصلاحیت افراد شده افرادی که میخواستند به حزب و سازمان پیوستند لازم بود در مورد آذربایجان و انتساب به نظرات روشن طبیق با حزب داشته باشند. جدولی که مصلاحیت افراد سازمان نظامی را تعین میکرد روی مظله آذربایجان و اتحاد شوروی تأکید داشت.

مخالف شدن حزب توده

در سال ۲۷ در حالیکه دو باره حزب توده داشت شروع می‌گرفت و به فعالیت خود می‌افزود. دستگاه حاکمه در مدد بود که ضربه خود را برآورد آورده به فعالیت حزب توده خاتمه دهد واقعه ۱۵ بهمن ۲۷ میلادی لازم برای فرود آوردن ضربه را فراهم ساخت، در روز جمعه ۱۵ بهمن حزب توده بر سر قبر اراثی در امامزاده عبدالله اجتماع مزرگی را تشکیل داده بود "روز شهدا" ۱۴ بهمن بود ولی آنرا یک روز به تعویق انداخته تا با روز تعطیل مصادف شود. شاه به مناسبت روز شاه سپس دانشگاه به دانشگاه تهران رفت و بود شخصی بنام فخر آراثی در لباس ملکاس به شاه تبراندازی کرد و خود او دردم کشته شده در چیب او کارت مفوبت حزب توده بینداشت. دولت پورا اعلام حکومت نظامی کرد و به بانکه و مرکز حزب توده بورش برداشت پاره داشت. دستگاه رهبران و اعضا" شروع شد. اقبال تصور نامه دولت را میتوان بر فخر قانونی بودن حزب توده در مجلس قرائت کرد و با تائید نایابدگان روبرو شد. با این ترتیب حزب توده فخر قانونی و منحله اعلام شد. گفته شده است که فخر آراثی و چند تن از دوستان او از اعضا حزب توده بودند و قصد خود را توسط یکی از رهبران اختلاط کیانوری به اطلاع

تاریخ سی ساله ایران

۳۲

رسانده بودند. حزب پیشنهاد آنها را ظاهرا "رد کرد" بود ولی کیانوری بطور عینی آنها را تائید کرده بود. بهر حال رهبران حزب توده و استگنی فخر آراثی را در موقع ارتكاب عمل تکذیب کردند و در دادگاه نیز به موجب ماده یک مخفیان محاکمه شدند.

رهبران فراریو دیگر افراد موثر حزب در سال ۱۳۲۸ شروع به تجدید سازمان مخفی حزب کردند از میان افراد حزب در دوره "قانونی" کانکه صلاحیت کار مخفی داشتند در حوزه ها و کمیته های مخفی مشکل شدند. سازمان جوانان نیز بدست ایال حزب تجدید سازمان شد. در سال ۲۹ ده فروردین رهبران حزب توده (ار جمله روزبه) توسط سازمان نظامی حزب از زندان قصر فراری داده شدند فرار رهبران به منزله اعلام موجودیت مخفی حزب بود. ولی باره ای محاائل شایع کردند که رژیم آرا در این فرار دست داشته است و این فرار از بازیهای سیاسی دستگاه حاکمه است مخفی شدن حزب تتابع زمزمه را داشت:

۱ - معیارهای عضو گیری حزب دیگرگون شد و گذشت آن افزایش یافت

۲ - محظوظ رعایت قانون از بن رفت و حزب توده مارکسیزم لینینزم را ایدئولوژی خود اعلام کرد و بایت شد که اساسنامه و مرمانه را غیر پذیرد.

۳ - امکانات ملی و قانونی حزب به میزان قابل توجهی کاهش یافت بطوریکه اتحادیه های واقعی کارگران نیز فعالیت مخفی داشت.

۴ - رهبری حزب که در دوره "مخفی عینایا همان عنامر قبلی ادامه یافته بود از مصونیت ناشی از سلسله مرائب و اصول کار مخفی بیرون یافت

تاریخ سی ساله ایران ۳۹

را با متنی "فتوا" مانند امضا کرده بود . یکی از علل سرکوبی حزب توده در سالهای ۲۷ و ۲۸ فراهم کردن زمینه مساعد تجدید قرار داد نفت با انگلستان بود . رزم آراد تیرماه سال ۲۹ با این رسالت نخست وزیر شد که کار نفت را بهایان برساند . مصدق و همکارانش که در دوره اخیر فعالیت خود را از مهر ۲۸ با تachsen در کاخ مرمر بعنوان اعتراض به جریان انتخابات شانزدهم شروع کرده بودند ، در مقابل رزم آرا جمهه گرفتند و هنگام طرح لایحه نفت در مجلس به مخالفت با آن پرداختند .. حزب توده که پس از یک دوره دوباره داشت نیرو میگرفت ، از تریبون های علنی محروم شد و قادر به رقابت با مصدق نبود ، ولی مهمنتر از این محدودیتها ، موضع گیری کاملاً غلط حزب توده در آن شرایط بود جنجال تشدید تضادهای آمریکا و سوری و خطری که شوروی خود را در آستانه آن حس میکرد و بزوی بعنوان مهمنترین قدرت ضد امپریالیستی شناخته شده و اردوگاه سوسیالیستی و احزاب کمونیست را به مبارزه بر ضد امپریالیزم آمریکا هدایت میکرد ، این استراتژی جهانی در ایران درست با استراتژی جمهه ملی تضاد پیدا میکرد . در ایران امپریالیزم آمریکا چهره تهاجمی داشت و میخواست این حصار نفت ایران را از دست انگلیس خارج کند و مصدق با علم به این تضاد ، شعار ملی شدن نفت را مطرح ساخته بود و از حمایت آمریکا برخوردار نمیشد . اتحاد شوروی و حزب توده نیز این موضع گیری را میدیدند و با توجه به حساسیت شوروی در مقابل آمریکا (که خود بخود موجب اغماض نسبت به انگلیس در چهار چوب مسائل جهانی نمیشد) جنبش ملی شدن نفت و جمهه ملی را پدیده ای برای خود رسالت رهبری قائل بود : شرکت مصدق در مبارزه نفت را که در آن از امپریالیزم آمریکا کمک میگرفت و حمایت آمریکا از جنبش نفت در

تاریخ سی ساله ایران ۴۸

و در برج عاج پنهان شد . توده های حزبی به رهبری دسترسی نداشتند و دو قطب حزب (یعنی رهبری و توده های حزبی ، هر روز شناخت ذهنی تری از یکدیگر پیدا کردند .

۵ - در مجموع ظرفیت و کارائی حزب و سازمانهای وابسته به آن (سازمان جوانان و شورای متحده) افزایش یافته و از انظباط بیشتری بر خوردار شدند .

حزب توده در برابر جنبش ملی شدن نفت

اولین اشتباه حزب توده پس از تجدید فعالیت ، بی توجهی به جبهه ملی و جنبش ملی شدن نفت بود . در حالی که این مبارزه مقارن مذاکرات (کس - گلشایان) آغاز شده و سرعت گسترش میباشد . حزب توده ضرورت و اهمیت آن را در نیافت - در سال ۲۹ حزب از یک سودر صدد ایجاد جنبشهای کارگری در کارخانه ها بود و از طرف دیگر فعالیت علنی خود را با جمع آوری امضاء در ذیل ورقه های انجمن ایرانیان هوادار صلح شروع کرد . جنبش صلح خواهی جنبشی جهانی بود که اتحاد شوروی علیه اردوگاه امپریالیستی و بخصوص آمریکا براه انداده بود ، این جنبش آنقدر در ایران بی معنی جلوه می کرد که توده های رحمتکش شهری هیچ گاه نتوانستند معنی آنرا دریابند ، مذلک حزب توده بیش از یک میلیون اعضا ذیل این ورقه ها جمع آوری کرد . با تشکیل خانه صلح در خیابان فردوسی (ورسمیت یافتن جمعیت هواداران صلح عده ای از رجال لیبرال و سرشناس مظاہر در راس این جمعیت قرار گرفتند . مهمنترین این عناصر آیت الله کاشانی بود که ذیل ورقه صلح

تاریخ سی ساله ایران

صدق را به نخست وزیری برگزید . در ۲۳ تیر " هریمن " با پیشنهادی شبیه کنسرسیوم در سال ۲۳ در ایران آمد . آمریکا اینک میخواست حاصل ملی شدن صنعت نفت را برماید . مصدق سعی میکرد که مناسبات خود را با آمریکا تیره نکند ، مرجعین به رهبری دربار و امرای ارتش میخواستند نشان دهنده که قدرت واقعی را در دست دارند . حزب توده تصمیم گرفت که بنظر خود مانع سازش مصدق با آمریکا پایان مجرای نفت شود . حزب معتقد بود که اینک زمان سازش مصدق فرا رسیده و باید رهبری را از او گرفت .
تظاهرات ۲۳ نیز ظاهرا " بمناسبت یاد بود اعتصاب و تظاهرات کارگران نفت در ۲۳ تیر ۲۵ برقرار شد ولی هدف اصلی آن مخالفت با آمریکا و اعتراض به ورود هریمن بود .

روحیه ناشی از مبارزه مخفی در ۲۳ تیر بصورت برخورد با نیروهای پلیس و ارتش ظاهر شد " توده‌ای ها " شجاعت و انظباط پیش بینی نشده ای از خود آشکار ساختند که باعث شگفتی جبهه ملی و دربار شد . مصدق به تظاهرات خونین کمونیست ها تکیه کرد و هریمن را دست بس کرد . حزب توده شکست ماموریت هریمن را به حساب خود گذاشت و تعاملات مصدق و جبهه ملی را به حساب نیاورد . شرکت عناصری چون زاهدی ، امینی و دیگران در کابینه اول مصدق و گسترش فعالیت اداره اصل چهار تروم و افزایش فعالیت اداره آمریکا و ارتش در ماههای اول حکومت مصدق از جانب حزب توده به منزله تائید شناخت خویش یعنی وابستگی مصدق به آمریکا بود ، حزب گرچه قبلاً در ائتلافی با حزب ایران در سال ۲۵ این حزب را حزب رانماینده بورژوازی ملی اعلام کرده بود ، یعنی با مسئله بورژوازی و نقیقی آن آشنا قبلى داشت . در برابر مصدق او را عامل امیرپالیزم

تاریخ سی ساله ایران

۴۰ مرحله اول یعنی تا (خلع بد) را حمل بر وابستگی مصدق به آمریکا کرده و با وابستگی سیاسی به مشی شوروی خود را ملزم میدانست با " نفوذ آمریکا " مبارزه کند . حزب توده قبل از ملی شدن نفت ، نتیجه بخش بودن این مبارزات را قبول نداشت و فکر میکرد که سرانجام این سرو صداها با توافق آمریکا و انگلیس تمام خواهد شد . با همه اینها ، حزب توده نمیتوانست از جریانی که به علت نضج میگرفت برکنار بماند و بنابر این شعار الغای امتیاز نفت جنوب را داد (مقارن طرح ملی شدن نفت در او اخر سال ۲۹) و سپس ملی شدن نفت جنوب و سرانجام پس از تصویب ملی شدن نفت شعار ملی شدن نفت در سراسر کشور را پذیرفت . این تغییر دادن شعارها نشانه سردرگمی حزب توده و عقب ماندن آن از جریان بود ولی مسخره ترین جنبه این شعارها ، رعایت حقوق شوروی در امتیاز نفت شمال (که هرگز تصویب نشده بود) بود . بهمین جهت اول سال ۳۵ حزب سازمانهای اولین تظاهرات حزب حدود پکماه پس از خلع بد در آستانه ورود " اورال هریمن " فرستاده مخصوص " ترومون " برای حل مسئله نفت بود ، قبل از ۲۳ تیر سازمانهای حزب توده در کارخانه های مختلف اعتصاب هایی راه انداخته بودند . از جمله این اعتصابها ، اعتصاب کارگران نفت در هفتم اردیبهشت ۱۳۴۵ بود که به زدو خورد کشید و موجب اعلام حکومت نظامی گردید . نیروی دریائی انگلیس از این اعتصاب استفاده کرد و ناوهای خود را بعنوان حفظ جان اتباع انگلیسی به خلیج فارس و سواحل خوزستان آورد . این تهدیدی بود برای بازداشت مصدق از ادامه راه خود . سرانجام در دهم اردیبهشت شاهلا رحه مصوبه مجلس را امضا کرد و در سیزده اردیبهشت

آمریکا اعلام میکرد و در مورد سوابق مصدق از جمله مجلس چهاردهم و مخالفت با امتیازات "استاندارد اوبل" معتقد بود که پس از آن مصدق با آمریکا سازش کرده است، حزب توده خونریزی ۲۳ تیر راجلادی مصدق و قتل عام کمونیست ها و قربانی کردن آنها را، در مقدم ارباب اعلام کرد. در بارو عناصر مرتاجع که زمام نیروهای مسلح را در دست داشتند و مسبب اصلی این واقعه بودند، از بالا گرفتن اختلاف سود می جستند و در مجلس نیز مصدق را مورد تهاجم قرار میدادند. برخوردهای حزب توده ها مصدق ادامه یافت.

در چهاردهم آذر همان سال نیروهای سازمان جوانان (زیر عنوان همدردی با محاصین عراقی) دست به تظاهرات خونین در تهران زدند و نیروهای مسلح به مراکز سازمان های علیه حزب توده مثل خانه صلح = کانون جوانان دموکرات، جمعیت آزادی ایران، اداره روزنامه های بسوی آینده چلنگر و مرکز جمعیت ملی مبارزه با استعمار هجوم برداشتند. این هجوم ها تا در نبودند در فعالیت حزب اثر چندانی بگذارند زیرا شبکه های حزبی مخفی بود و حزب حزب خود ادامه میداد، پس از رد پیشنهاد هریمن از جانب مصدق برای اولین بار نشانه های مثبتی در روزنامه های "ایزوستیا" حزب اولین آثار تجدید نظر نسبت به مصدق آشکار شد.

سازمان جوانان در دنبال برخوردهای قبلی در ۸ فروردین ۲۱ دست به ماجرا جویی زد و علیرغم سیاست حزب که تظاهرات شدید مصدقی را تحريم میکرد، تظاهرات خونین در تهران راه انداخت واقعه هشتم فروردین

آخرین تظاهرات ضد دولتی (ضد مصدقی) توده ای ها بود. (۱) در بررسی این حرکت، نشانه های تجدید نظر نسبت به مصدق هویدا میشود. مهدلک میباشد ۳۰ تیر نقطه عطف این دگرگوشی ه شود. قیام ۳۰ تیر - حتی پیش از خلع پدار شرکت نفت، انگلستان همزمان با توسل به سیاست و اعزام کشتی جنگی، به دیوان داوری لاهه شکایت کرد. (در چهار خرداد ۱۳۳۵)

با تحريم خرید نفت ایران، اختلاف ایران و انگلیس بالاتر گرفت. در مهرماه ۳۵ انگلستان به شورای امنیت نیز متوجه شد. مبارزه با انگلستان و کوشش در خروج از بن بست فروشنفت مهمترین مسئله دوره مصدق بود. اعمال نفوذ و توطئه های انگلستان موجب بسته شدن کنسولگری های انگلیس در دیماه ۱۳۳۵ شد. توده اگر چه مناسبات ایران و آمریکا پس از رد پیشنهادات هریمن به سردی گرایشیده بود (تروم ایران را به توافق با انگلیس تشویق میکرد در تاریخ

(۱) - شرکت حزب توده در انتخابات دوره ۱۷ مجلس در بهمن ۳۵ نشانه های گرایش به مسالمت تلقی میشود. با تمام کوششهایی که حزب در تهیه رای بعمل آورد با صندوق سازی و اعمال نفوذ درباریها و خود جمهه ملی اجازه داده نشد که حتی یک نماینده توده ای . به مجلس برود انتخابات چند شهر بهمن منظور متوقف شد. حزب توده در تهران با ۲ نفر که سوابق ارجاعی داشتند ائتلاف کرد که از آن جمله "فروود" بود که از همان زمان به دربار و مرجعین وابستگی نتیجه شتی برای حزب نداشت موجب بی ابروئی آن شد.

اساسی در اختیار شاه قرار گرفته بود . بهمن دلیل نیروهای نظامی از دو لب (نخست وزیر) تبعیتی نمیکردند و در واقع برخوردهای خونین تهران به همین دلیل با سیاست لیبرال مصدق مطابقت نمیکرد مصدق از موقفیت دادگاه لاهه که افکار عمومی را بشدت تحریک کرده بود میخواست استفاده و پست وزارت جنگ را مثل سایر پستهای کابینه تحت اداره خود بگیرد . برای کنترل ازتش و نیروهای مسلح و تصفیه این نیروها میباشد قبل " امتیازات غیر قانونی شاه در این مورد سلب شود . بهمن دلیل پس از چند بار گنگره در ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱ مصدق شاه را تهدید به استعفای خود کرد . شاه مرتضیعین که قبل " آماده توطئه شده بودند درست ذراستانه " صدور رای دادگاه لاهه وارد عمل شدند ، مصدق به رغم بدست گرفتن پست وزارت جنگ و گرفتن اختیارات ، از مجلس استعفا داد و شاه قوام السلطنه را به نخست وزیری برگزید . قوام بلا فاصله اعلامیه ای صادر کرد و پایان دوران هرج و مرج و عوام فریبی را اعلام کرد و از سوی پهلوی " آزادیخواهانه " خود در گذشته اشاره کرد . از سوی دیگر مخالفان را تهدید به شدت عمل کرد . قوام با علم به اختلافهای حزب توده و مصدق میخواست با وعدهای نهانی حزب توده را بفریبید و بدادن امتیازات امیدوارکند ولی این تاکتیک قوام و مرتضیعین نگرفت . حزب توده از چندی پیش سیاست احتیاط آمریزی در مقابل مصدق در پیش گرفته بود و اینک بر کناری او به تردیدها خاتمه میداد و در نتیجه اتخاذ یک تصمیم جدی را ضروری میساخت ، از سوی دیگر نایندگان جبهه ملى که در اقلیت قرار گرفته بودند (اکثریت مجلس ۱۷ به قوام رای اعتمادداد و این نشان دهنده " ماهیت انتخابات در بهمن سال ۳۰ بود) در مجلس متحقّص شدند . از

تقاضای مصدق ، برای دریافت کمک ، تائیدکرده بود ، میتواند به کشوری که دریچه های ثروت خود را به روی خود بسته است ، از کمپسه مالیات دهنده‌گان آمریکا کمک کند . ولی گردشی سفير آمریکا همواره به دولت خود هشدار میداده که اغواگری انگلیس در مورد برکنارکردن مصدق تسليم نشد و خطر کمونیسم در ایران را در نظر داشته باشد مصدق با تکیه به تجاری چون ۲۳ تیرماه " خطر کمونیسم " را لولوی برای آمریکا کرده بود . در نتیجه آمریکا معتقد شده بود که فقط مصدق است که میتواند با اتکاء به ناسیونالیسم جلوی کمونیسم را بگیرد . ولی انگلستان با شناخت و نفوذی که در ایران داشت معتقد بود که برکناری مصدق متنضم خطر جدی نیست (در خاطرات ... این اختلاف روابط و نظر دو امپریالیسم در ماجراهای که به ۲۵ تیر و سپس توپه های پس از آن منجر شد ، معکس شده است) انگلستان که از مجامع بین‌المللی امید بر گرفته بود ، در خرداد سال ۳۱ کشتی ایتالیائی " رزمایی " را که از ایران نفت خریده بود در بندر مستعمراتی عدن بازداشت کرد و کوشش جدی بعمل آورد تا آمریکا را با اقدامات خود در پاران هماهنگ سازد . سرانجام ترومون به انگلستان چراخ سیز مشروطی نشان داد انگلستان اجازه یافت که دست به اقدام بزند ، بشرط آنکه منافع غرب (آمریکا) در ایزان با خطر حاکمیت کمونیستها روبرو نشود . پایین ترتیب تضاد دو امپریالیست به توافق رسید در زیر این تضمين ۴۵٪ نفت ایران برای آمریکا قرار داشت در خرداد مصدق به لاهه رفت تا از حقوق خود دفاع کند . پس از دفاع در لاهه و قبل از صدور رای مصدق به ایران باز گشت و بر سر تعیین پست وزارت جنگ با دربار اختلاف آشکاری پیدا کرد . انتخاب وزیر جنگ و فرماندهان شهربانی و زاندارمی بر خلاف قانون

تاریخ سی ساله ایران

همان روزهای استعفای مصدق (که دیگر حالت برقنار کردن اورا پیدا کرده بود) ، عناصر دست چپی و مصدقی در خیابان های مرکزی بهم نزدیک شده بودند مشترکا "روزنامه های شاهد و شهیار را می فروختند فراکسیون جبهه ملی از آیت الله کاشانی) روز ۲۵ تیر را اعتصاب عمومی اعلام کرد . آیت الله کاشانی که در زمان رصاصخان از ایران تبعید شده بود و بعدها با شکوه تمام بازگشته بود متنفذ ترین روحانی زمان خود به حساب می آمد ریاست مجلس ابعده داشت و دو مین شخصیت جبهه ملی ، شناخته میشد . کاشانی روی توده های بازاری و کسبه نفوذ داشت با همه اینهانه اعلامیه جبهه ملی و نه اعلامیه کاشانی مردم را دعوت به تظاهرات نکرده بود . در روز ۲۸ تیر جمعیت مبارزه با استعمار اعتصاب ۳۰ تیر را تائید کرد و مردم را دعوت به تظاهرات کرد . در روز ۲۹ تیر دولت حاضر شد اعلامیه جبهه ملی را از رادیو بخواند و مهندس حسینی اعلامیه را خواند . در این اعلامیه از مردم دعوت شده بود که دست به اعتصاب آرام بزنند ولی خوشبختانه توده ها اعلامیه را باور نکردند و آنرا نهاده بر فتد اعلامیه جمعیت ملی مبارزه با استعمار طی روز ۲۹ تیر پخش شد ولی بعد افراد حزب و سازمانهای واپس آن در تظاهرات شرکت کردند . کارخانه ها هم تعطیل شد . کمبود فرصت و زمینه های منفی برخورد های حزب توده و مصدق باعث شد که بسیج افراد بطور کامل اجرا نشود ولی با اینهمه عده زیادی از افراد حزب ، در تظاهرات ۳۰ تیر شرکت کردند . تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار (بود رجمندی - ناصر خسرو - سیروس ، خیام - پامنار و برق) شروع شد و بطرف تپخانه و اکباتان پیش رفت . نیروهای ارتش اول با یورش های سر نیزه و سپس باد شلیک گلولو بکار بردن تفنگ و مسلسل با جمعیتی که به سوی مجلس حركت

تاریخ سی ساله ایران

۴۷

میکرد مقابله میکردند تا سرانجام . در میدان سپه بهارستان و اکباتان ، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این برخوردها عده زیادی مجروح و گروهی نیز کشته شدند . بیمارستانها (بخصوص بیمارستان سینا) ملعو از زخمی هاشده بود جنازه ها بر سر دست ها در جلو جمعیت حرکت میکرد . بالاخره نمونه های تمرد در نیروهای نظامی دیده شد و جمعیت به اکباتان و بهارستان رسید . اخبار شهر به دربار و قوا میزرسید . (برادر شاه ، علیورضا به خیابان آمده بود و شایع بود که در چهار راه آب سردار شخطا به مردم شلیک کرده است .) مستشاران نظامی خطر تمردارتش را خاطر نشان ساختند . سفیر آمریکا به دربار اعلام خطر کرد و از قیام مردم به هراس افتاد . آمریکائی ها خطر حاکمیت سرخ را پیش بینی می کردند . توده ایها در تظاهرات در کنار شعار " مصدق پیروز است " و یا " یا مرگ یا مصدق " شعارهای ضد درباری مهدادند . توده ها هنوز از این شعارهای حزب استقبال نمیکردند . عناصر دست راستی جبهه ملی در حال تظاهرات با شعارهای ضد درباری مخالفت میکردند (طرفداران کاشانی مثل شمس قنات آبادی و شعبان بی مخ هنوز در صفوف جبهه ملی بودند) سرانجام پس از هشتاد و چند تن کشته و مدها زخمی ، دربار و حشت زده عقب نشست و بازگشت مصدق را پذیرفت این بار مصدق با نیروهای توده ها پست نخست وزیری را اشغال میکرد . ویزگیهای سنی ام تیر بشرح زیر بود :

- ۱- سی ام تیر نقطه عطفی بود در تغییر جهت مبارزه از مبارزه ضد انگلیسی به مبارزه ضد درباری یعنی تکامل مبارزه هموضع گیری ضد استعماری و ضد ارتقایی (ضد فشودال کمپرادوری) .
- ۲- گسترش این جنبه مبارزه پس از ۳۰ تیر موجب تغییر جناحگیری

نیروهای داخلی شد ، یعنی اولاً "جناب راست جمهه ملی یعنی نمایندگان بورژواشی بزرگ سارشکار و کمپرادرها از مصدق جدا شدند ، این پدیده‌ها بصورت جدا سی کاشانی بقایی و دیگر ان از جمهه ملی ظاهر شد . این نیرو با فشودالیزم و بورژوا کمپرادرداری سازش کرد و بصورت متحده امپریالیزم در مقابل مصدق قرار گرفت ثانیاً "جنبشن کارگری موضع قبلی خود را ترک کرد و به مصدق نزدیک شدو از اওحایت کرد پشتیبانی حزب توده از مصدق که با قیام سی ام تیر شروع شد از آن پس ادامه یافت .

۳ - با تغییر جناحگیری نیروهای داخلی و گسترش یافتن تکامل مبارزه امپریالیست سازش کرده و امپریالیسم آمریکا از مخالفت غیرفعال به دشمن شوروی از مصدق حمایت کرد ولی این حمایت فعال و موثر نبود . پس از سی ام تیر حزب توده موضع خود را نسبت به مصدق و جمهه ملی تصحیح کرد . تخطه کردن مصدق و کار شکنی کردن در کار او که بصورت تظاهرات مخالفت آمیز و تحريم برنامه هاشی چون "قرضه ملی" و مانند آن ظاهر شده بود . جای خود را به تدریج به حمایت از مصدق داد با اینهمه حزب نتوانست و رسالتی را که در مقابل جنبش ملی بعهده داشت بانجام رساند پس از سی ام تیر سیاست حزب توده نسبت به مصدق عبارت بود از انتقاد از محافظه کاری و تردیدهای مصدق پیشنهاد روزنامه های علنی حزب مثل شهباز و بسوی آینده و مانند آنها ، این سیاست را نمودار می‌سازد . حمایت حزب توده از مصدق در توطئه نهم اسفند از طرح جمیات هشت نفری در فروردین ۳۲ ، شرکت در رفراندم مرداد ۳۲ و تظاهرات ۲۵ مرداد و ادامه این سیاست در دوره پس از کودتا بود ولی آنچه می‌باشد حزب توده بکند سهبهجوجه با آنچه کرد مطابقت نمیکند . حزب توده می‌باشد پس از

تاریخ سی ساله ایران

۴۹

سی ام تیر تدارک نیروهای سازمان یافته نظامی و شبه نظامی) برای مقابله با ارتیاع بخش آمده بود . با شناخت تحریفی که حزب توده از مصدق میکرد (او را محافظکار و نهایتاً "سازشکار می‌شناخت که در خلع سلاح ضد انقلاب تابعیت و هوشیاری لازم را نشان نمیدهد) دیگر حق نداشت به حمایت گاه و بیگانه از او اکتفا کند و سرنوشت جنبش را به اقدامات او و جمهه ملی و اگذار کند ولی اپورتونیزم بیکرانی که رهبری حزب را در نور دیده بود و در صفو حزب ریشه های جدی داشت موجب شد که حزب توده از موضع سکتاریستی چپ به موضع دنباله روی بیفت ترس از ماندن مصدق از پکس و دنباله روی سازشکارانه از سوی دیگر حزب توده را به اپورتونیزم راست دچار ساخت حزب توده برای توجیه تغییر سیاست خود با اشکال جدی در میان افراد روپرتو شد اما نتوانست مناسبات خود را با مصدق بروایه های کاملاً "اصولی بز قرار سازد . اختلاف بین سر نحوه همکاری با مصدق در درون حزب پس از سی ام تیر ادامه یافت . طرح شعار "جمهه واحد به رهبری طبقه کارگر" در مقابل جمهه واحد " بدون ذکر رهبری آن نموداری از برداشتهای مختلفی بود که از رابطه با مصدق وجود داشت . ما باین مساله در ذکر اختلافهای داخلی حزب توده خواهیم برد اخراج مصدق و جمهه ملی نیز متقابلاً " هیچگاه حاضر نشدن رسم اهمکاری حزب توده را بهذیرند ، نتیجه این بود که حزب توده مناسبات روشی با جمهه ملی و مصدق نداشت و بدنبال موقعیتهای مختلف ، روابط آنها تعیین میشد . سازمان جوانان حزب توده که یک نیروی سیاسی پر جوش و فعال بود ، قبلاً " نیروی خود را صرف تظاهرات و اعتراضها میکرد ، در موضع حمایت از دولت نمی‌توانست آن جوش و خروش را در یک جریان سازنده در جهت جنبش رهائی بخش

وزیر دفاع شده بود) ریبوده و به قتل رساندند . دکتر بقائی که پس از ۴۰ تیر از مصدق بریده (و دشمن او شده بود) و در این ماجرا دست داشت . به باز جوئی احضار شد . جنازه افشار طوس از غارتلوکش شد . کاشانی نیز به مخالفت جدی با مصدق دست زد و در خانه خود در حضور طرفدارانش قسم خوردگه حتی اگر قرار باشد با امیر بالیزم انگلیس همکاری کند ، مصدق را سرنگون خواهد کرد . مصدق که در هر فشارهای سیاسی توطئه ها و مشکلات اقتصادی و مالی قرار داشت تصمیم گرفت سیصد میلیون تومان اسکناس چاپ کند . مجلس به مخالفت پرداخت ، عبدالله عظمی از همکاران مصدق روش محیلانه ای پیش گرفت و معلوم شد که علیرغم قیام سی ام تیر ماه هفدهم برای مصدق و ملت همچنان موضع ضد انقلاب است . در تیر ماه نمایندگان جمهوری ملی در مجلس شورا استعفای دادند در مرداد ماه مصدق انحلال مجلس را بمرفراندم گذاشت در ۲۵ مرداد ۳۶ انحلال مجلس اعلام شد و همان شب " کودتای اول مرداد آغاز شد و با شکست روپرورد .

کودتای ۳۸ مرداد

در مرداد ۳۶ اشرف پهلوی که به تقاضای مصدق از کشور تعیین شده بود در پاییں با " آلن دالس " و " شوارتس " نمایندگان ایالات متحده جلسه مشترک تشکیل داد که دستور سرنگون ساختن مصدق را صادر کرد . شاه فرمان عزل مصدق را بدست نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی داد و خود با ملکه ثریا به کلاردشت رفت و منتظر نتیجه ماند . سرهنگ نصیری در نیمه شب ۲۵ مرداد افسران خود را در رأس سربازان به خانه وزیری مصدق روانه کرد و چند تن از آنها را باز داشت کرد . (از جمله فاظمی که در سعد آباد

هدایت کند . با مصادف شدن شش ماه آخر حکومت مصدق با تدارک جشن جهانی (فستیوال) به برگزارکردن گردشگری جمعی ، جمع آوری آثار هنری و کارهای دستی ، جمع آوری کک و اعانه و سرانجام تشکیل کمیته ها و باشگاه های ایالتی و مجلسی " فستیوال " و برگزاری جشن های ایالتی و فستیوال جهانی پرداخت . در حقیقت نیروهایی که میباشد از میانش بک نیروی نظامی انقلابی هژرون آورده شود و در ماه هایی که سر نوش خلق را کارزار تعیین میکرد حزب و سازمان جوانان آن در خوده کاریها و بی عملی غرق شده بودند . بدون توجه به برنامه حزب و سازمان جوانان در این ماهها و نحوه گذران سیاسی و مبارزاتی آنها و درک بی عملی حزب توده ، جریان کودتای ۲۸ مرداد غیر قابل فهم است جریان دیگری که در سال ۳۲ رخ داد ، اعتصاب کوره بزخانه ها بود .

اعتصاب به رهبری حزب توده شروع شد و بیش از دو هفته ادامه یافت کوره بزخانه ها از طرف نیروهای مسلح محاصره شد . رساندن آذوقه به سی هزار کوره بز و خانواده های آنها به عهده " کمیته های حزبی و سازمانی گذاشتند . با پایان اعتصاب شور شوق ناشی از یک عمل سازنده فروکش کرد و روال قبلی از جشن و شادمانی " ادامه یافت . بهاس نقشی که حزب توده در جریان اعتصاب بازی کرده بود ، کوره های بطور جمعی در میتینگ سالروز خیام سی تیر در بهارستان شرکت کردند . تضادهای جنبش با مردمین هر روز شدید تر میشد ، پس از ۹ اسفند که کودتایی بود و در نطفه خفه اند ، در شانزدهم اسفند مصدق اقدام به باز داشت مردمین از جمله اهدی کرد . مخالفان برای نشان دادن ضعف دولت ، افشار طوس رئیس شهربانی وقترا که از جانب مصدق گمارده شده بود (مصدق در عین حال

تهاجم قرار گرفت و غارت شد.

صدق که از تظاهرات خیابانی به ستوه آمده بود با این برخورد دستور قطع تظاهرات را داد ، حزب دستور را پذیرفت و روز ۲۷ مرداد آنرا به کمیته های خود ابلاغ کرد . با آرام شدن خیابانها ، آخرین مانع از سر راه کودتاچیان برداشته شد و باین ترتیب بود که صبح روز ۲۸ مرداد کودتا با تظاهرات بی اهمیت او باشان حرفة ای و میدانی ها و دیگر افشا لمحه ای شروع شد . رئیس شهربانی وقت ، سرتیپ دفتری که جزو کودتاچیان بود تا آنجا که توانست مصدق را خام کرد و وقتی نیروهای پلیس به تظاهر کنندگان پیوستند و کار بالا گرفت گفت که نمیتواند برای دولت کار کند . دفتری نیروهای پلیس را ظاهرا برای سرکوب کردن تظاهرات می فرستاد ولی طبق برنامه قبلی مأموران به او باش می پیوستند . کامیون های پلیس و بارکش ملعو از او باش و میدانی ها و پلیس از جنوب شهر حرکت میکرد و شعار " زنده باد شاه " و شاه - شاه - شاه را میدادند . درجه داران و افسران کارد شاهنشاهی که در سربازخانه ها باز داشت بودندسر به شورش برداشتند و به اسلحه خانه ها حمله ور شدند و مسلح به خیابانها ریخته و عازم خانه نخست وزیر شدند بدون اینکه به مانعی برخورند . حزب توده بوسیله خدا بنده (از اعضای سرشناسی جمعیت ملی مبارزه با استعمار) چند بار با مصدق تماس گرفت و کسب تکلیف کرد ، مصدق در تماس های اول اعلام کرد که از دست من دیگر کاری ساخته نمیست ، هر کاری میتوانید بکنید در این موقع تماس توده های حزب با رهبری قطع بود . اصولاً روابط مخفی اجازه نمیداد که به فاصله چند ساعت ، افراد بسیج شوند . بخصوص که عصر روز قبل پس از سه روز تظاهرات دستور باز گشت به خانه به کادرها صادر شده

به همسرش تجاوز کردند) خود نصیری برای بازداشت مصدق رقت در آنجا با نیروی مسلح که به فرماندهی ممتاز از خانه نخست وزیر " محافظت میکرد روپرورد شد . مصدق نصیری را فریب داد و باز داشت کرد و از همه وقایع آگاه شد نیروهای نظامی به فرمان نخست وزیر (که وزیر دفاع هم بود) به کاخ سعد آباد رفتند و اسرا را آزاد کردند . فرمان خلح سلاح کارد شاهنشاهی صادر شدو افسران و درجه داران (سربازان گارد در سربازخانه های جمشیدیه و باغشاه و عشرت آباد و حشمتیه) باز داشتند . صبح روز ۲۵ شاه و ملکه با هواپیمای خصوصی از کلارادشت به بغداد گریختند . کودتای ۲۵ مرداد شکست خورد و با پخش شدن خبر کودتا ، تهران و شهرستانها بوجد آمدند . حزب توده که در ماههای قبل به خواب خرگوشی فرو رفته بود از شناخت مسئولیت خطیر خود در این لحظات حساس بازماند و آخرین فرصت را برای آماده ساختن نیروهای خود برای مقابله با ضد انقلاب از دست داد در عوض فرصت طلبانه به استفاده سطحی از موقعیت پرداخت و شعار جمهوری دمکراتیک را مطرح کرد و افراد خود را به فروش علني روزنامه مردم " و بر گزاری متنیگهای موضعی بسود علني شدن حزب و شرکت در تظاهرات خیابانی و پائین کشیدن مجسمه های شاه و نامگذاری خیابانهای تهران کشاند . برای مقابله با کودتا به تماس تلفنی با مصدق و نوشتن سر مقاله های پرآب و تاب چون " کودتارا به ضد کودتا تبدیل خواهیم کرد " و افشاگری از کودتا چنان و مرکز کودتا در روزنامه های خود اکتفا کرد . در روز ۲۶ مرداد بدون برنامه قبلی میان افراد توده ای پراکنده در خیابانها و افراد حزب ملت ایران (پان ایرانیزم فروهر) برخورده بیش آمد که برای اولین بار پلیس در آن بیطرف ماند . باشگاه حزب ملت ایران (در اول خیابان صفی علیشاه) مورد

تاریخ سی ساله ایران

بود . اغلب مسئولین متوسط و افراد حزب و سازمان علیرغم مطالبی که از کودتا شنیده و خوانده بودند در شناخت واقعه سر در گم شدند و آنها نیز که بر سرعت بخود آمدند و به پسیچ افراد خود دست زدند موفق به ایجاد ارتباط با بالا نشدند (بطور کلی در حزب و سازمان جوانان ، ارکانهای رهبری در گفت و گو و موارد غیر رسمی ، بالا خوانده می شدند) اولین ارتباط‌ها عصر (از ساعت سه به بعد) برقرار شد رهبری خود قادر به اتخاذ تصمیم می‌شود ، مسئولین سازمان جوانان در تهران که موفق به ایجاد تعاس با افراد شده بودند دستور دادند که افراد با کلیه وسائل ممکن (سلاح سرد) در قرار عصر حاضر شوند . این تعاس تا سقوط و غارت خانه مصدق ادامه داشت و بعد بدستور رهبری به روز بعد مکول شد تا ساعت دو بعد از ظهر هنوز خانه " مصدق با فرماندهی سرهنگ ممتاز مقاومت می‌کرد . سرانجام خانه " مصدق سقوط کرد و مصدق فرار کرد و خانه غارت شد . رادیو ایران (بی‌سیم پهلوی در جاده قدیم) حدود ظهر توسط نیروهای تیپ زرهی اشغال شد . فریادهای " زنده باد شاه " از آن برخاست .

سقوط رادیو اهمیت زیادی در پیش رشدن کار داشت . روز ۲۹ تعاس حزبی و سازمانی بهتر شده بود . حداقل ۵۵٪ کادر هادر سرقرارها حاضر بودند حزب تصمیم گرفت کادرهای ضربتی تشکیل دهد . افراد واجد شرایط (یعنی آنها بی که خدمت سربازی انجام داده بودند و قدرت بدنی خوبی داشتند) از واحدها جدا شدند و هر بیست نفر در یک خانه دور از چشم پلیس برای ضربه زدن به دشمن آماده شدند . افسران سازمان نظامی با شتاب باین خانه ها اعزام شدند تا تعلیمات لازم را به افراد بدند برای هر بیست نفر دو اسلحه کمری و دو نارنک وجود داشت . این گروهها ۴۸ ساعت در

خانه های سربردند . عده " قابل توجهی از افسران یکدیگر را شناختند و عده‌ای از آنها توسط افراد غیر نظامی شناخته شدند . با همه اینها پس از ۴۸ ساعت این گروهها مرخص شدند و افراد که انتظار عکس العمل حزب را می‌کشیدند با بازگشت رفاقت‌شان نویض شدند ، طی این دو روز (تا روز ۲۱ مرداد) تعاسها برقرار رهود . دو هر تعاس اخبار و شایعات که اغلب در زمینه " پایداری نیروها در شهرستانها بود میرسید . مهمترین این شایعات عمارت بودار :

قیام ایل قشقائی و حرکت بطرف شیراز ، مقاومت ارتشی های اصفهان به حمایت از مصدق و حرکت آنها بطرف تهران ، پایداری کلیه سازمانهای اداری و نظامی رشت . سرانجام خبر قیام افراد توده ای در گیلان و به جنگل زدن آنها رسید . از میان همه شایعات این خبر تاحدی واقعیت داش و آن این بود که عده ای از افراد و سازمان جوانان در گیلان به جنگل رفتند و آماده عملیات جنگلی شدند . بعدها حزب بازحمت زیاد این افراد را از جنگل باز گرداند . سرانجام رهبری کودتا را انجام یافته دانست و عکس العمل خود را به بعد مکول کرد .

ضعف های حزب توده در گودتای ۲۸ مرداد بشرح زیر بود :

۱ - حزب توده علیرغم هشدارهایی که به مصدق میداد خود در مقابل کودتا غافلگیر شد .

۲ - گرچه حزب توده قبل از " نیروهای خود را آماده " مبارزه نظامی نکرده بود " معاذالک " میتوانست در کودتای ۲۸ مرداد نیروهای موجود را وارد عمل کند . برخوردهای نظامی با کم سازمان نظامی میسر بود و حتی اگر این برخورد به شکست میانجامید باعث میشد که اولاً بروزه سیاسی به

حزب توده و مساله دهقانان

در برنامه اولیه حزب توده از تقسیم اراضی صحبت شده بود بدون اینکه معین کند این اراده باید مصادره شود یا باز خرید شود. در برنامه های بعدی (در دوره مخفی) مصادره اراضی و تقسیم آن بیان آمده است، اشتباه است اگر بخواهیم مشی حزب توده در مورد دهقانان را در این برنامه ها جستجو کنیم. حزب توده از روز نخست از کارگر و دهقان حرف میزد. اتحاد کارگران و دهقانان از شعارهای دائمی حزب و سازمانهای وابسته به آن بود. ولی تعاس عمل حزب با مسئله دهقانان گیلان، مازندران و آذربایجان تحقق یافت. در شمال مصادره اراضی فئودالها توسط دربار و سپس سفوط رضا شاه پک رشته مسائل اراضی و دهقانی را بوجود آورده بود. بخصوص در گیلان که هنوز اداره املاک نتوانسته بود بلعیدن اراضی را خاتمه دهد (برخلاف دشت گران و ماندران شرقی که اداره املاک پهلوی زمینهای خود را ثبت کرده بود) این مساله جدی تر بود. دهقانان معتقد بودند که این اراضی متعلق به شاه بود و حالا که رفته است متعلق به خود آنهاست. مالکان این تحولات را نهیز گفتند و خود را صاحب اراضی دانستند بهره مالکانه مطلبه میکردند. در سال ۱۳۴۰ اجاره های اداره املاک پرداخته شدو نه بهره مالکانه اربابها که آغاز به بازگشت کرده بودند. در سال ۱۳۴۱ برسر بهره مالکانه برخوردها ادامه یافت و با توجه به اینکه این نواحی در اشغال ارتش سرخ بود، بکار بردن نیروی نظامی برای سرکوب کردن دهقانان به

تاریخ سی ساله ایران
پروسه به سیاسی - نظامی تکامل پیدا کند. ثانیا "رسالت مبارزه رهایی بخش بدست نیروهای طبقه کارگر بیفت. بنابر این مهمترین ضعف رهبری حزب توده هراس از عمل و بکار نبردن نیروهای خود در مقابله (توده ای نظامی) باشد نبود ثالثاً . عناصر انقلابی در رهبری و ارگان های مسئول جای رهبری اپورتونیست را بگیرند.

۳- رهبری حزب توده قادر نبود در لحظات حساس تصمیم به گیرد و اختلافات داخلی و بین شخصیتی فرصت طلبانه بر آنها غلبه میکرد.
۴- نفوذ عناصر فرصت طلب در شرایط مبارزه نیمه علني بدرون حزب توده که زمینه ادامه اپورتونیزم در رهبری است، باعث ضعف عمومی حزب در ماجرای ۲۸ مرداد شد بطور یکه در همان روزهای اول عده قابل توجهی از افراد ساده با واحدهای خود قطع تعاس کردند.

۵- پس از پیروزی کودتا رهبری حزب از درک اهمیت این پیروزی و نتایجی که بار می آورد عاجzmanده و در صدد تجدید سازمان و تغییر برنامه های خود برنیامد. این ترتیب که اولاً "اصرار داشت که همه افراد خود را حفظ کند. ثانیا" بادست زدن به میتینگ های موضعی و پخش اعلامیه و شعار نویسی با کودتا مقابله کند. رهبران حزب توده فکر میکردند که همانطور که "کودتا" صغير ۱۵ بهمن مانع ادامه حیات حزب نشد. این کودتا هم "به خیر" خواهد گذشت. رهبری علما" سیاست دفع الوقت آغاز حرکت خود را به تعویق انداخت و سرانجام پس از یک سال تعطل و دست زدن به تاکتیک های نامناسب با باز داشت سازمان نظامی، ضربه مركب دشمن بر سراسر حزب و سازمانهای وابسته به آن وارد آمد، قبل از آنکه رویدادهای پس از ۲۸ مرداد را تحلیل کنیم باید چند جنبه مختلف را از فعالیت های و مسائل حزب

یافت ولی پس از آذرماه ۲۵ که تهاجم عمومی ارتجاع آغاز شد، تعقیبها و کشтарها، تجاوزها، یغما و آتش زدنها به مقداری وسیع اعمال شد. فعالان جنبش فراری شدن دو عده ای جان خود را از دست دادند، جعفر خان ر- شوند رئیس ایل جلیلو از ناحیه اشکور ورود باز گذشته و به پشتیبانی فنودالها ریاست پاک کردن منطقه رانکوه را بعهده گرفت. "از رود سر تا لاهیجان" با چنین ترتیبی طبیعی ترین وجدی ترین کوشش حزب توده در بر پا کردن جنبش دهقانی سرکوب شد.

در آذربایجان طی سالهای ۲۳ تا ۲۴ یعنی قبل از تشکیل فرقه در مناطق مساعد کمیته های حزب توده دست به تشکیل اتحادیه های دهقانی زد. در اطراف مراغه، آذر شهر و رضائیه این کوششها نتایج مساعدی بدست دادند. زمینه های جنبش دهقانی در آذربایجان پس از تشکیل فرقه، استخوانبندی نیروی فدائی را بوجود آورد. در آذربایجان نیز استقرار ارتش سرخ عامل موثری در برپا کردن این جنبشها بود سرانجام جنبشها دهقانی آذربایجان باشکست فرقه دیگرات به خاموشی گردیده پس از تجدید سازمان از سال ۱۳۳۵ حزب توده دوباره برنامه های دهقانی خود را از سر گرفت ولی از همان اول با کمبود امکان رو برو شد. شرایط مخفی، نزدیک شدن حزب توده به دهقانان را مشکلت کرده بود و مهمتر از آن پس از سرکوبی در سالهای ۲۵ و ۲۶ جنبشها خود بخود فروکش کرده و توده های دهقان حتی در نواحی رکود و نومیدی بسر می برندند. حزب توده و سازمان جوانان اقدام به اعزام واحدهای (اکیپهای) گارد دهقانی از شهر به روستا می کرندند تقریباً "در تمام موارد نتیجه کار این واحدها نزدیک به سفر بود. واحدها در روزهای تعطیلی در دسته های هفت، هشت نفری تا بیست، سی نفری به

آسای میسر نبود. معاذلک در اغلب نواحی طی سالهای ۲۱ تا ۲۳ مالکان توانستند ببره دریافت دارند (سیاست جنگی شوروی هامبتنی بر حفظ امنیت در گرما گرم جنگ اجازه نمی داد که این جنبشها را حزب توده تقویت کند.) از سال ۲۳ اتحادیه های دهقانی در گیلان آغاز به رشد کرد. اتحادیه ها با حمایت و سازماندهی حزب توده تشکیل شد و در میان دهقانان نفوذ کرد. مرکز اتحادیه ها، در روستاهای بود آگاهی دهقانان گیلان و بر خوردهای پاد شده، در سالهای ۲۳ تا ۲۵ زمینه مساله تشکیل اتحادیه بود و استقرار ارتش سرخ موقعیت مساعدی برای گسترش کمی کیفی آنها را به وجود آورد. دهقانان به تدریج حالت تهاجمی بخود گرفتند، در سال ۲۴ استنکاف از پرداخت ببره مالکانه شروع شد. در سال ۲۵ (مقارن فرقه دمکرات) ارباب را از ملک راندند و حتی تهاجمی خویین نسبت به آنها روی داد. در این تهاجمات، مهاجمین را که ارتش با زاندارمری گرفته بود (به تعداد کم) در اختیار رهبران کمیته ها گذاشت. پس از خروج ارتش سرخ دستگاه مجازات مسلح از طرف اوپاشو مرتعین دولتی تشکیل شد. حزب جنگل (۱) و مرکزان در چالوس میود، اوپاشو و ایستگان ارباب (میاشران، چارو ادارها، کددخاد و مانند آنها) را متشکل کرده زیر حمایت زاندارمری به نواحی زیراداره دهقانان گسل داشت. این برخوردها طی چند ماه ادامه

(۱) - حزب جنگل یک داور دسته ارتجاعی بود که در سال ۲۵ در گیلان و مازندران فعالیت میکرد و موسسین آن عده ای از مالکان بزرگ و نظامیان مرتع بودند مثل : بهار مست، حسین خان زال، جعفر خان ر شوند و صوفی و ...

تاریخ سی ساله ایران
روستاهای که اغلب هیچگونه ابظه قبلى با روستاییان آنجا نداشتند میرفتند و در زمینه نقش اربابها و ضرورت گرفتن زمینها صحبت می گردند. زاندارم آذتخدا مباشر و ملاهای ده دشمنان پیغمبر این اکیپها بودند و اغلب کاربه کنک خوردن و بازداشت شدن ۵۰ ه می رسید.
عامل شکست این اکیپها عبارتند از:

۱ - عدم وجود جنبش های خود بخودی در روستا.

۲ - نداشتن تعاونی ریشه دار و درونی با روستاییان.

۳ - نشناختن روحیه روستاییان و عدم توجه به عوامل سنتی و فرهنگی روستاییان. اکیپهای حزبی که افراد آن متین تر بود حتی از ظاهر مذهبی خواندن نماز نیز کوتاهی نمیگردند ولی اکیپهای سازمان جوانان، اغلب دچار چپ روی و رم دادن روستاییان میشوند.

۴ - نداشتن امکانات قانونی و علنی باعث میشد که این کوشش در مقابل آنچه باید انجام پذیرد بسیار حقیر و نارسا از کار در آید.

باهمه اینها پس از آنکه مصدق در شهریور ۳۱ قانون ۲۰٪ بهرهٔ مالکانه والغای سوروسات را اعلام کرد (۱) همزمان با اوج گرفتن جنبش صدام پریالیستی

(۱) قانون ۲۰٪ بهرهٔ مالکانه برای جلب رضایت دهقانان در مبارزه با مالکان بزرگ بعوجب اختیارات مصدق وضع شد. روحانیون از جمله کاشانی با لایحه مخالفت میگردند و در راه اجرای آن کار شکنی مینمودند. سرانجام در سال ۱۳۲۱ این قانون را فسح کردند و آن را از ارزش انداختند. به موجب این قانون را ۱۰٪ بهرهٔ مالکانه به دهقانان و ۱۰٪ برای مصارف عمومی روستا به انجمن ده تعلق میگرفت.

تاریخ سی ساله ایران

و درست در موقعیه جنبش از جنبهٔ ضد امپریالیستی صرف به جنبهٔ فئودالی (دربار و مرتعین) و ضد امپریالیستی دهقانی در مناطق آمده تر به نفع گرفتن کرد، اینبار نیز گیلان در پیشاپیش سایر مناطق حرکت میگرد. نقطه‌اوج جنبش دهقانی گیلان در برخوردهای خونین در لشت نشا "بود که دهقانان بطور دسته جمعی به رشت آمده و در آنجا با نیروی مسلح برخورد کردند. استنکاف ازدادن بهرهٔ مالکانه در دیگر مناطق نیز بندرت بهش کردند. رمز موفقیت حزب توده در این موارد داشتن پیوند درونی با می خورد. روز موقتی حزب توده در این موارد داشتن پیوند درونی با دهقانان بوداين پیوند اصولاً بصورت رابطه کارگران و دیگر زحمتکشان شهر با محل زادگاه خود و بستگانشان انجام میگرفت، همچنین، دموکراسی سالهای ۱۳۲۱-۱۳۲۲ اجازه میداد که حزب توده با دست بازتری در این مناطق عمل کند. با کودتای ۲۸ مرداد نه فقط جنبش در شهر سرکوب شد بلکه در روستا نزد ارتیاع بدون هراس از مجازات جنبشها، تعاملات ضد فئودالی ریشه کن ساخت.

دربارهٔ اختلافهای داخلی حزب توده

کنگره دوم (در سال ۱۳۲۲) که پس از انشاعاب در پرتو جهاد بر ضد انشاعابیون برگزار شد، نتوانست اختلافهای درونی را نابود سازد بزودی پس از تجدید سازمان، یک جناح بندی تاره در حزب خودنمایی میگرد. این جناح بدنبال اختلافهای دورهٔ علنی (وقتی اختلافهای پیش از انشاعاب ملکی) بود. در یک طرف احمد قاسمی کیانوری و امان قریشی و اکثریت قاطع اعضای کمیته ایالتی و در طرف دیگر، بزدی، جودت، شرمینی، علوی و

را از مسئولیت شهرستانهای مهم باز گرداندند و در راس کمیته‌های محلی تهران گماردند.

پس از اینکه شعار "جبهه واحد" اعلام شد، دو جناح اختلاف خود را روی آن پیاده گردند: جناح کیانوری قاسمی تاکید داشت که "جبهه واحد" باید به رهبری طبقه کارگر شکل شود و جناح مقابل از ذکر رهبری خود داری می‌کرد و طبیعی است که این تاکید ناشی از ادامه همان چپ روی ناشی بود و شما رجناح مقابل، با توجه بدست بالائی که جبهه ملی داشت و حکومت مصدق بمقابلیت نزدیکتر بود.

بر سر تعیین خصوصیات حزب و نام آن نیز اختلافی وجود داشت جناح تندر و معتقد بود که حزب توده‌حزب طبقه کارگر ایران است و جناح مقابل معتقد بود که حزب توده "حزب طبقه زحمتکش" است این دو اختلاف که اساسی ترین اختلاف دو جناح بود آنها را در موضع چپ و راست قرار میداد. همان قدر که جناح قاسمی - کیانوری در چپ و راست قرار میداد، همان قدر که جناح قاسمی - کیانوری در چپ روی دوره اول (رابطه با مصدق) موثر بود جناح دوم در راست روحی و دنباله روی در مرحله دوم اثر گذاشت. با همه اینها عواملی وجود داشت که مانع از شناخت قطعی دو جناح بعنوان جناح چپ و راست می‌شد. این عوامل از این قرار ند.

الف - موقعیت و تاکتیک سازمان جوانان که در بسته با اختیار شرمنی قرار داشت، برخلاف اساسنامه و مناسبات رسمی که می‌بایست با حزب داشته باشد تبدیل به یک سازمان نسبتاً مستقل شده و مقررات سنی در آن رها بابت نمی‌شد. (عضویت در سازمان جوانان بین ۱۳ تا ۲۵ سالگی مجاز بود) حال آنکه مسئولین ساده سازمان تا سن ۲۳ سالگی و مسئولیت مهمتر

اکثریت قاطع کمیته مرکزی سازمان جوانان قرار داشتند. این جناح‌بندی خطوط ممیزه روشنی نداشت، لیکن بطور کلی جناح قاسمی - کیانوری تعایلات تذیری داشتند. آنها روی میارهای تشکیل حزب و ضرورت ایدئولوژی طبقه کارگر تاکید بیشتری می‌کردند و با عناصر قدیمی بر سر این معیارها اختلاف داشتند. در مقابل جنبش ملی، این جناح چپ روتربود و در تعیین خصوصیات مصدق و جبهه ملی در دوره اول نقش مهمی بازی کرد و در جدائی حزب توده از جبهه (که دلایل وزمینه‌های آن قبله مورد بررسی قرار گرفته) نقش بیشتری داشت. کیانوری در راس کمیسیون تعلیمات و قاسمی در واوس‌تشکیلات کل شهرستانها (تکش) قرار داشت. این دو موقیت مهم اجازه داد که "اولاً" - نظرات این جناح در حوزه‌ها و کمیته‌های حزب مورد قبول قرار گیرد و ثانیاً "مسئولات شهرستانها از طرفداران این جناح برگزیده شوند. بهمین منظور تقریباً تمام اعضاً کمیته ایالتی تهران که می‌بایست مسئول کمیته‌های محلی تهران باشند به شهرستانها اعزام شدند مهمترین استانها و ولایتها در اختیار آنها قرار گرفت که با تجدید نظر نسبت به جبهه ملی (قبله "دلایل آن ذکر شد) موقعیت این جناح به خطرافتاد. قاسمی در سال ۱۳۲۱ برای شرکت در کنگره نوزدهم (بعنوان یکی از اعضای هیئت نمایندگی حزب) به خارج رفت و جای او را در هیئت اجراییه مهندس علوی گرفت. (هیات اجراییه از این افراد تشکیل شده بود: بیزدی، جودت، کیانوری، قاسمی، بهرامی، کوهنفر آخر چون بین دو جناح بیطرف بود عنوان دبیرهای اجراییه را داشت ولی چندان اعتباری در هیات نداشت. نادر شرمنی بی آنکه به عضویت هیات اجراییه در آیدی با علوی همکاری کرد و طرفداران جناح کیانوری - قاسمی

تاریخ سی ساله ایران

برای همیشه در سازمان میماندند. (تقریباً تمام مسئولین دو عضویتی بودند یعنی در آن واحد عضو حزب و سازمان بودند) کمیتهء مرکزی سازمان جوانان با تعصب از جناح پزدی، جودت، شرمنی که اکثریت رهبری حزب را برخود داشت حمایت کرد. کمیتهء جناح مخالف را دائماً در کارهای خود و رسوخ میداد و دو جناح یکدیگر را "منشویک" خطاب میکردند و پس از واقعه هشتم فروردین ۳۱ شدیدترین برخورد بین سازمان جوانان و جناح مخالف روی داد. بطوریکه از تهدید علیی یکدیگر خودداری نمیکردند. سازمان جوانان در حالیکه از جناح راست حمایت میکرد در اغلب موارد دست به ماجراجویی میزد و کارانی افراد آن در مجموع به کارآئی حزبها میچربید. انضباط و تعلیمات ایدئولوژیک در سازمان جوانان سطحی بالاتر از حزب داشت. سازمانی که میباشد از هر نظر پایین تر از وضعیت حزب باشد، تقریباً در تمام موارد بر حزب میچربید. برای تظاهرات، افراد سازمان خیلی سریع بسیج میشدند. در برخورد پلیس و سربازان فقط کارگران حزبی بر آنها پیشی داشتند و اکثریت افراد حزبی از آنها عقب تر بودند. طرح شرمنی این بود که با انحراف کردن سازمان جوانان و تربیت سیاسی و سازمانی افراد آن، آینده حزب را برای خود و جناح خود تعیین کند و این خطری جدی برای جناح مخالف بود. بهمین دلیل در هر فرستاد سعی میکردند نفوذ شرمنی را در سازمان جوانان از بین ببرند، او را رسماً از سپرستی سازمان برداشتند ولی در عمل هیچ نتیجه‌ای بدست نباورند. نفوذ شرمنی تا پائین ترین کادرهای مسئول سازمان جوانان رسوخ یافته و برخلاف حزب که اختلافهای داخلی در صفوف پائین آن مطرح نمی‌شده در اینجا مسئولان جزء هم از قضايا باخبر بودند. خصوصیات سازمان جوانان و تاكتیکهای آن اساساً

تاریخ سی ساله ایران

می‌باشد با افکار جناح مخالفیکی باشد و این یک جنبه از غیر اصولی بودن جناح بندی درونی حزب بود. واقعیت این بودکه شرمنی دارای تمام خصوصیات تندریجی چه نوعی بود. در جناح قاسمی-کیانوری امثال او زیاد بودند، حال آنکه قدیمی‌ها به اصطلاح پیرو پاتال‌ها به یک جوان مثل او احتیاج داشتند. در این جناح رهبری آینده او، مسلم پناظر میرسید. اکثریت رهبری نیز که اغلب در خارج بودند با این جناح بود. جناح بندی بیشتر، باند بازی "عناصر رهبری بود و بر سر اشغال پستهای حزبی و بست آوردن نفوذ بیشتری، ولی این باند بازیها جنبه‌های ایدئولوژیک یافته و نمودهای سیاسی پیدا میکرد.

ب - عامل دوم ترکیب دو جناح از نظر منشاء و سوابق افراد آن است جناح قاسمی - کیانوری اغلب از کمونیستهای جوان بودند که در جنبشی کمونیستی سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۵ سوابقی نداشتند. خصوصیات روشنفکرانه آنها نیز بر جناح مخالف می‌چربید. علیرغم تاکید ایشان روشنفکر ترین کادرهای خائن حزب در صفت آنها جا داشت و از همه عجیب تر اینکه در بکارگرفتن افراد کارگر و رشد دادن مسئولان کارگر کوشش بعمل نمی‌آوردند. گرچه این خود نموداری از زمینه‌های مادی راست روی در این جناح است ولی این پدیده با شعارها و برداشت‌های آنها وفق نمیداد. حاکمیت جناح پزدی - شرمنی مقارن بود با توجه به ترکیب طبقاتی حزب و دگرگون ساختن نسبت کارگران به روشنفکران در سطح مسئولان متوسط حزب و سازمان جوانان که در سال ۱۳۱۳ بطور مکانیکی به اصر کارگر توجه شده و کوشش بعمل آمد که کارگران مسئولیت‌های بیشتری بعهده بگیرند. این پدیده که ناشی از عدم شناخت طبقه کارگر ایران و بی توجهی به کیفیت واقعی کادرهای کارگر در

تاریخ سی ساله ایران

حزب و سازمان جوانان بود باعث شد که مسئولین متوسط و نسبتاً "بالای حزب در یک مساله ۳۱ تا ۳۲ مرداد از عناصر بی تجربه و فاقد خصوصیات لازم تشکیل شود . و ضرف کارگر بودن ملاکی برای مسئولیت بشمار برود و در نتیجه تعداد مسئولان به قربان گو افزایش باید و در واقع این کادرهای تازه کار اغلب بصورت مهره ای در دست روشنگران بالائی بکار می رفتند . حداقل میتوان گفت که این دکتر گونی هیچگونه بهبودی در روابط رهبری و توده های حزبی بوجود نیاورد و اثر مشتبی در مقابله با رهبری فرصت طلب بر جای نگذاشت حتی شکست ۲۸ مرداد به اختلافهای داخلی خاتمه نداد کیانوری روی عکس العمل فوری تاکید میکرد از جمله اقدامات این جناح انتشار اعلامیه ای به امضای کمیته ایالتی در آبان سال ۳۲ بود که طی آن دشمن به انتقام تهدید شد و همه کسانیکه بر ضد مردم و حزب دست به اقدام بزنند (مثل روزنامه نویس‌ها عضای دادگاهها و غیره) به مجازات وحشتناک تهدید شده بودند ولی همانطور که میدانیم این تهدید ها زمینه مادی در حزب نداشت و بیشتر بلوغ بود تا عمل ، گذشته از این ، این عمل خود سرانه انجام گرفته و موافقت هیات اجرایی را کسب نکرده بود بنابر این هیچ عملی بدنبال نیاورد . پس از آنکه کیانوری وجودت به رهبران خارج پیوستند اختلاف در زمینه های دیگر ادامه یافت . سرانجام در جدا شدن چین از شوروی و بروز اختلاف در جنبش جهانی ، این جناح بندی به انشعاب درسازمان حزب توده و در خارج از کشور انجامید و قاسمی و فروتن و همکارانش از بقیه جدا شدند . کیانوری در این مرحله از قاسمی جداشد . رسیدگی به پرسنل های خارج از کشور و از جمله سازمان حزب توده که دیگر بعنای یک "حزب" شناخته نمی شد در فصلهای بعد خواهد آمد . گرچه پس

تاریخ سی ساله ایران

از ۱۴ مرداد تا اواخر سال ۳۴ حیات حزب توده در داخل کشور ادامه یافت بعد از ۲۸ مرداد نقطه عطفی در زندگی حزب توده در جنبش ملی بود بنابراین بتوضیحاتی که در باره حزب توده داده شد نتیجه میگیریم :

اولاً " – حزب توده از همان اول ناسیس خود جانشین یک جریان کارگری شد یعنی علیرغم تمام انحرافات و اشتباهات ، رهبری جنبش طبقه کارگر را بدست گرفت ، یعنی علاوه نقش پیشاپنگ را بعهده گرفت . در واقع بهمین دلیل است که پروسه حیاتی و مبارزات حزب توده از دیدگاه مارکسیستی مورد بررسی قرار گرفته و ایورتونیزم درونی این حزب مورد مطالعه و انتقاد قرار میگیرد .

ثانیا " – حزب توده در طول دوازده سال از یک حزب دمکراتیک بیک حزب طبقه کارگر تکامل یافت ولی این حزب طبقه کارگر فاقد خصوصیات انقلابی بود و ایورتونیزم . در رهبری و صفووف حزب ریشه عمیقی داشت .

ثالثاً " – با از دست رفتن نفوذ حزب توده در میان مردم و از جمله در صفووف زحمتکشان و باقطع فعالیت سازمانی و سیاسی این حزب در داخل کشور ، نقش این حزب بمتابه پیشاپنگ طبقه کارگر ، اگر چه فرصت طلبانه و غیر انقلابی بود ، خاتمه یافته است . بقایای حزب در داخل کشور و خارج از کشور به هیچوجه به منزله ادامه حیات پرسه پیشاپنگ طبقه کارگر تلقی نمیشود . اینک قبل از اینکه به ادامه حیات حزب توده و دیگر جریانهای پس از ۲۸ مرداد بپردازیم ، باید پرسه جبهه ملی و مبارزات مصدق را مورد مطالعه قرار دهیم :

دوم - جبهه ملی، و مصدق در جنبش ملی کردن نفت

محمد مصدق در یک خانواده اشرافی بزرگ شده و در فرانسه در رشته حقوق دکترا گرفته بود . مصدق پس از بازگشت به ایران تمايلات ملی از خود نشان داد و در پایان جنگ جهانی اول در جریان قرار داد ۱۹۱۹ چهره^۴ او آشکار شد ولی در این دوره^۴ جناح ملیون چهره^۴های سرشناس تری از مصدق دارد . در کودتای ۱۲۹۹ هنگامی که سید ضیا الدین نخست وزیر میشود و دستور بازداشت رجال قاجار را صادر میکند ، مصدق والی فارس بود و هنگامی که به تهران احضار شد در اصفهان مسیر خود را عوض کرد و به چهار محال بختیاری رفت . پس از سقوط کابینه صدر روزه و تشکیل کابینه قوام ، مصدق پست وزارت دارائی را بعهده گرفت . با توجه به موضعی که ملیون در مقابل جنبش‌های انقلابی آن دوره^۴ داشتند مصدق در مقابل جنبش

داشت که از دوره " صنیع الدوّله " و " موتمن الملک " تا مدرس در صف ملیون مبارزه کرده بود . برای مردم تهران بخصوص ، برای قشراهای بازاری و کسیه که قدیمی تربودند . (تهران در دوره رضا شاه رشد زیادی کرده بود و جمعیت زیادی از شهرستانها به تهران آمده بودند) باین ترتیب پس از شهریور ۱۳۹۰ مصدق دوباره پا به میدان گذاشت . در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی مصدق از تهران نامزد شد و گعنوان اولین نماینده تهران انتخاب شد . در مجلس عده ای از نمایندگان منفرد و نمایندگان عضو حزب ایران گرد او جمع شده بودند و مصدق سخنگوی آنها بود . اولین مساله ای که در مجلس چهاردهم موضع مصدق را روشن کرد اعتراض به اعتبار نامه^۱ سید ضیاالذین طباطبائی بود که مصدق طی سخنرانی بجای خود پرده از کودتای ۱۲۹۹ و نقش سید ضیا در آن برداشت . بر سر این سایه^۲ فراکسیون حزب توده ، در کنار مصدق بود ولی مصدق مانورهایی در مجلس داد تا جدائی خود را از این فراکسیون آشکار سازد . در مجلس چهاردهم ، امتیازنامه^۳ " استانداردار اویل کمپانی " مطرح شد که مصدق با آن مخالفت ورزید . (۱) و نه فقط بر علیه آن بلکه بر علیه شرک نفت ایران و انگلیس و امتیاز نفت جنوب نیز صحبت کرد . هنوز مدتها از این ماجرا نگذشته بود که مساله امتیاز نفت شمال پیش آمد . در اینجا مصدق به روش خودداده داد . اما فراکسیون خود ادامه داد . اما فراکسیون حزب توده خطای بزرگ مرتکب شد و از امتیاز نفت شمال در بست حمایت کرد . در اینجا مصدق و حزب توده در

^۱ سخنرانی معروف مصدق در مورد امتیازنامه استانداردار اویل کمپانی

^۲ در ۷ آبان ۱۳۲۳ در مجلس چهاردهم انجام گرفته

جنگل و قیام کلنل و مانند آن روشی " اعتدالی و لی محافظه کارانه " داشت (در مقابل رضاخان ، ملیون مدتها روش محافظه کارانه داشتند .) مدرس که سرشناس ترین چهره^۴ این دوره بود در ابتدای امر سعی کرد از تضادهای رضا خان با دربار استفاده کند . ملیون نمی توانستند عواقب سیاست خود را پیش بینی کنند و موقعی واقیت را درک کردند که دیگر دور کردن رضا خان از قدرت ، در توانایی آنان نبود . مدرس و همکارانش می خواستند رضا خان را با " پولیتیک " از میدان بدر کنند ولی دستهایی که رضاخان را روی کار آورده بودند در استفاده از مانورهای دیپلماتیک و برپا کردن صحنه های فریبند بر شاگردان مکتب^۵ " پیلاماسی " امین السلطان " و " موتمن الملک " (۱) استاد تر بودند . با همین معیارها بود که مصدق در مجلس سیاستمدارانه به مخالفت با سلطنت رضا خان می پردازد و اظهار میدارد که چون رضاخان (که سردار سپه و نخست وزیر بود) مرد لایق و کارداری است و با نشستن او بر جایگاه سلطنت ، ملت ایران نمیتواند از این نیاقت بپره مند شود . بهتر است رضاخان شاه شود و در همان سمت های خود بعand سرانجام رضاخان حاکم شد و دیکتاتوری خود را برقرار کرد . مصدق خانه نشین شد و منتظر حوادث ماند . هنگامیکه متفقین وارد ایران شدند و رضا شاه سقوط کرد مصدق بیش از شصت سال داشت و این امتیاز را بر دیگران

^۱ - مقصود یکی کردن امین السلطان با موتمن الملک نیست . بلکه توجه دادن به روش های سیاسی و دیپلماسی کهنه و فرسوده ای بود که رجال آن دوره در هر سنی که بودند بکار می بستند . آثار این " دلنق بازی " نا سالهای پس از شهریور ۱۳۹۰ نیز در چهان سیاسی دیده می شود .

با شوروی ، مسانه نفت شمال را بنا بر پیشنهاد "کافتا رادر" حل شد ، مصدق از میدان خارج شد ، حال آنکه در حبس دوره حزب ایران با حزب ایران با حزب توده و فرقه دمکرات جبهه دمکراتیک را تشکیل داد و رسماً "همکاری میکردند. با وقایع آذربایجان و تهاجم ارتعاج بدنیبال آن ، مصدق یک یک دوره کم فعالیتی را گذرانید . دوره ؛ تازه خود را با فعالیتهای انتخاباتی دوره شانزدهم شروع کرد . در ۲۲ مهر ۱۳۲۷ مصدق به اتفاق دوازده نفر از طرفداران سرشناس خود در کاخ مرمر متحصن شده و بعنوان اعتراض به جریان انتخابات دوره شانزدهم دست به اعتصاب غذا زدند . اعتصاب چهار روز طول کشید و بدنیبال این جریان در سیزدهم آبان ، هژیر وزیر دربار در مسجد سپهسالار بدست امامی از فدائیان اسلام (که قبله "کسری را کشته بود) . ترور شد . بازار و کسبه ، هیجان آمدند و علیرغم اختناقی که پس از ۱۵ بهمن برقرار شده بود مردم شهری تمایلات مخالفت آمیز خود را نشان میدادند . در چنین جوی بود که جرج مک کی "از طرف وزارت خارجه آمریکا به تهران آمد و نظرات آمریکا را برای مقامات ایرانی توضیح داد . آمریکا که پس از وقایع آذربایجان در ایران نقش موثری پیدا کرده بود ، پس از سرکوبی حزب توده می خواست رسماً "از منابع نفت و موقعیت سیاسی ایران سهم خود را بدست آورده . هیجدهم آبان انتخابات دوره ۱۶ هم ابطال شد و فرمان تجدید انتخابات صادر شد .

تضادهای آمریکا و انگلیس رو به رشد بود . شوروی که ضامن داخلی خود را لذت داده بود باید بینی به وقایع می نگریست و جریانهای داخلی را که حزب توده در آن نقشی نداشت به مثابه از کاس تضادهای امیریالیستی می شناخت . در اوخر اسفند سال ۱۳۲۸ انتخابات انجام شد و مصدق و

مقابل هم قرار گرفتند . ولی مصدق برای اینکه مخالفتش با قرارداد حمل بر مخالفت با شوروی که در مقابل آلمان هیتلری می جنگید نشد ، طی نامه ای به سفیر شوروی ، در ایران موضع خود را در باره نفت روشن کرد . مصدق در این نامه پس از تشریح رابطه ایران با شوروی و تائید فعالیت یعنی همزیستی و کمک برادرانه شوروی جوان به تهران ، صرفنظر کردن از کلیه مطالبات دولت تزاری و الغای قراردادهای یک جانبیه ، به دولت شوروی توصیه میکرد که پیشنهاد امتیاز نفت شمال را پس بگیرد و بجا آن پیشنهاد برای کمک به دولت ایران برای استخراج نفت در شمال بدهد . فشرده ؛ پیشنهاد مصدق این است که دولت شوروی و ام برای (که همه از شوروی تهیه شود .) با این وام شوروی نفت شمال استخراج و انحصاراً به نرخ مبادله (بنابر بازار روز) به شوروی فروخته میشود . وام شوروی و بهره ؛ عادلانه آن از این طریق مستهلك خواهد شد . این پیشنهادها کامراز برای دولت شوروی حد اکثر چیزی است که ممکن است در یک کشور به آن برسد (با توجه به انحصار فروش محصول در شوروی) و در اغلب موارد بدون توجه به ماهیت رژیم طرف معامله خود قرار داد . هائی به مراتب سودمند تراز نظر کشور طرف قرارداد (مثلآ " ایران با مصر و مانند آن) امضاء می کند ، با بی اعتمادی شوروی ها روپرورد و انعکاس ایادی هم نیافت . موضع مصدق در ایران در این مورد نشان دهنده موضع ملی اوست .

پس از تشکیل فرقه " دمکرات " ، مصدق خواسته های عمومی فرقه را در زمینه زبان مادری و مصرف مالیاتها و تشکیل انجمن ایالتی با روح قانون اساسی مطابق دانسته ، خواستار رسیدگی به آنها شد ولی هنگامیکه فرقه دمکرات حکومت را در دست گرفت و خود مختاری اعلام کرد و " توافق قوام "

دوم برای انعقاد قرار دادها و گرفتن امتیازهای تازه در خاور بکار بسته بود (از جمله در مورد نفت عربستان این فرمول از جانب کمپانی های آمریکائی بکار بسته شده بود) رزم آرا توافق را حداکثر چیزی میدانست که در دست امکان بوده است . مصدق حمله خود را به توافق نامه جدید شروع کرد و در سال ۲۹ بر سر مساله نفت رزم آرا را استیضاح کرد .

مساله نفت در مجلس هر روز داغ تر میشد و سرانجام در ۱۳ اسفند ماه (۱۳۲۹) مصدق که ریاست کمیسیون نفت مجلس شورا را به عهده داشت بجای اعلام نظر درباره توافقنامه، گس- گلشاییان "پیشنهاد ملی شدن نفت رادر مجلس به میان آورد . مردم گوش بزنگ و قایع بودند و مایندگان طرندار مصدق از مدتی قبل بعنوان فراکسیون "جبهه ملی" شناخته میشدند . در گرماگرم این جریان رزم آرا توسط یکی از فدائیان اسلام (خلیل طهماسبی) در شانزدهم اسفند در مسجد شاه ترور شد . با ترور رزم آرا مردم به هیجان آمدند و بخادهای موجود به اوج خود رسید . حسین علاء یک کابینه وقت تشکیل داده هنوز چند روز از ترور رزم آرا نکذشته بود که دکتر زنگنه نیز ترور شد . در چنین جوی بود که مرتعجین عقب نشستند و در مجلس که مقاومت کند از مخالفت رسمی با این جریان خود داری کرد ولی "توشیح" لایحه تادهم اردیبهشت سال ۳۰ به تعویق انتاد . در سیزدهم اردیبهشت مصدق برای اجرای قانون ملی شدن نفت به نخست وزیری رسید و از مجلس رای اعتماد گرفت . آمریکا که خود را در بدست آوردن پیروزی سهیم میدانست امیدوار بود که پساز خلع ید از شرکت نفت با انگلیس تحت شرایط تازه ای

همکارانش به نمایندگی تهران انتخاب شدند . حزب توده که مشغول تجدید سازمان خود بود . این انتخابات را تحریم کرد .

وقایعی که از این پس میآید کم و پیش در شرح فعالیتهای حزب توده بدون پرداختن به زمینه عمومی جنبش غیر ممکن است . پس مادر اینجا فقط روی آن جنبه های ویژه مبارزات مصدق و جبهه ملی تاکید میکنیم .

تا اینجا خصوصیات مصدق و مبارزات او چنین است :

۱- مصدق بعنوان عنصری ملی یعنی ناسیونالیست با تعاملات ضد استعماری شناخته میشود .

۲- مصدق و همکارانش از سازمان دادن مبارزات توده ای در طی این سالها خود داری کرده و به روشیای عرف اسیاسی آنهم در چهار چوب امکانات قانونی توصل جسته اند .

۳- در حرکت مجدد مصدق و یارانش تضاد آمریکا و انگلیس زمینه مساعدی ایجاد کرده بود و مصدق به این امر آگاهی کامل داشت . استفاده از یکسو و کمبودهای مبارزه، توده ای در جناح مصدق و همکارانش از سوی دیگر ، خاطرات بدی که عناصر آگاه از سیاست بازیهای پشت پرده داشتند . زنده میکرد و این امر در موضعی اتحادی حزب توده نسبت به مصدق تاثیر داشت . مذاکرات نفت بین "گس" نماینده شرکت نفت انگلیس و گلشاییان وزیر دارایی ایران در مجلس شانزدهم مشکل شد و به مهمنترین مساله، و سفت کردن مهار مردم که تحت تاثیر و قایع چند ماه گذشته شل شده بود . در سوم تیرماه ۱۳۲۹ بجای منصور نخست وزیر شد . رزم آرا از مذاکرات "گس- گلشاییان" حمایت میکرد . مذاکرات به نتیجه ۵۰- ۵۰ رسیده بود . فرمول ۵۰ فرمولی بود که کارتل جهانی نفت ، پس از جنگ

— تاریخ سی ساله ایران —

توافق کند . پس از خلع ید در ۲۹ خرداد ، در ۲۳ تیر " هارپین " به ایران آمد و تظاهرات خونین ۲۳ تیر بر پا شد . مصدق به آمریکا جواب مثبت نداد اما هنوز خود را آنقدر قوی نمی دانست که از حمایت آن صرف نظر گند . در اینجا همان مانورهای سیاستمدارانه بچشم می خورد . نامه های مصدق به ترومن و بالعکس نموداری از این دیپلماسی است . در این مورد هدف مصدق امیریالیسم انگلیس است و بس . حتی مترجمین داخلی هدف حملات او نیستند . عناصر آمریکائی مثل زاهدی ، امینی و دیگران و عناصر دست راستی مثل کاشانی ، بقائی و مانند آنها با مصدق در یک خط قرار دارند و با تشدید اختلافهای ایران و انگلیس و توظیه هایی که سفارت انگلیس بر ضد دولت شروع کرد . بود . در دهی ماه ۱۳۴۵ مصدق بعنوان تشدید فشار کتسولگری های انگلیس را بست و تقریباً " مقارن آن مجلس سنا را منحل کرد . مجلس موئسسان که در سال ۲۸ زیر فشار مترجمین و در بار برپا شده بود ، بر خلاف قانون اساسی تشکیل مجلس سنا را تصویب کرده بود و در همان شرایط انتخابات آن انجام یافته بود . انحلال مجلس سنا ، سرآغاز درگیری مصدق با مترجمین راستی و دربار بود بدنبال این اقدامات ، انتخابات دوره هفدهم در بهمن سال ۳۵ انجام گرفت ، مصدق به نحو غیرمنتظره ای دست مترجمین را باز گذاشت و بنابر اسناد و شواهد مسلم از تقلب در انتخابات و تعویض سند و فی مابین شیوه موسوم جلوگیری نکرد حتی در اینکار از عناصری که در دوره های قبلی در این کار تخصص یافته بودند استفاده کرد . هدف این بودکه نمایندگان حزب توده وارد مجلس نشوند . این هدف با تعطیل گذاشتن انتخابات در برخی شهرستانها کاملاً تامین نشد ، حزب توده که دارای نفوذ و کمیتی زیاد شده و طرفداران نیمه

تاریخ سی ساله ایران

متشكل زیاد تری داشت . عملای " حتی یک نماینده به مجلس نفرستاد و در عوض طرفداران واقعی مصدق در مجلس در اقلیت قرار گرفتند و مترجمین اکثریت خود را حفظ کردند . این شیوه سازشکارانه طی سالهای ۳۱-۳۲ مصدق را با مشکلات زیادی رو برو کرد (از جمله در رای اعتمادی که مجلس هفدهم به قوام داد و پس از ماجراهای سال ۳۲ که به انحلال مجلس و انجام رفراندم منجر شد) طی ماههای اول سال ۳۱ مبارزه بالانگلیس و خنثی کردن فشار اقتصادی و نتایج محاصره اقتصادی ایران از طرف کمپانی های نفتی ، تمام نیروی مصدق را به خود اختصاص می داد . مصدق برای تامین بودجه دولت به محدود کردن واردات و رشد صنایع داخلی متول شد و ضمناً " اوراق قرضه " ملی منتشر کرد . حزب توده برای توسعه مخالفت با قرضه ملی به هزینه های نظامی و نقش مستشاران آمریکائی در ارتقش و خرید تانکهای شرمن آمریکائی که خلق را نابود می سازد متنکی شد (۱) (اشاره به ۲۳ تیر و قایع مانند آن است .) معاذالک قرضه ملی از طرف قشرهای خرد بورزوایی (پیشه وران ، کسبه و کارمندان دولت) و بورزوایی ملی بزرگ و کوچک مورد استفاده قرار گرفت . گرچه مبلغ آن نمی توانست نقش تعیین کننده ای در موقعیت وخیم اقتصادی ایران داشته باشد ، با همه فشارها ، مصدق موفق شد جلوی افزایش قیمتها را بگیرد . در یک مورد همینکه نرخ قند و شکر افزایش بازارگانان مربوط نرخ رابه بهای زیان فروش نگهداشتند ، در سالهای ۳۰

(۱) - حزب توده در توجیه ایکه چرا دولت شوروی مطالبات ایران در طی جنگ دوم را (مسئله ۱۱ تن کالای ایران) در این موقعیت خطیر تحویل نمیدهد ، بهمین قابل استدلال ها متول می شد .

تضادهای درونی بسرعت رشد یافته بود جناح راست جبههٔ ملی بر سر مشی مصدق بتدریج از او فاصله می‌گرفت . مصدق دید بیطریقی آمریکا را از دست داده و بتدریج آمریکا سیاست فعال تری بر خود او پیش گرفت . بدرهار و امرای ارتش دست به توطئه میزدند ، مصدق عده‌ای از مترجمین امرای ارتش را بازنشسته کرده بود (با انکه بداشتن پست وزارت دفاع ، مصدق اسم وزارت جنگ را به وزارت دفاع ملی عوض کرده بود .) در دی‌ماه اختیارات مصدق برای یکسال تهدید شد . دیگر از طریق مجلس و مانورهای سیاسی ممکن نبود مصدق را سرنگون ساخت این بار ارجاع دست در دست امپریالیزم توطئه نهم اسفند را بوجود آورد . توطئه به این ترتیب شروع شد که شفاف‌اعلام کرد که می‌خواهد به اروپا سفر کند . درباری‌ها (برادران و خواهران شامو دیگر مترجمین) او باشروا جمع کردند تا بر ضد مصدق دست به تظاهرات بزنند . در این روز بود که شعبان بی مخ بخانه مصدق حمله کرده و باز داشت شد ، جبهه ملی و حزب توده علیه شاه و امپریالیستها دست به تظاهرات زدند و تظاهرات خیابانی چند روز ادامه یافت . دریابان همین تظاهرات بود که خبر فوت استالین پخش شد (۵ مارس - ۱۴ اسفند) در سایه حسن روابط حزب توده با دولت حزب توده اجازه پیدا کرد که متینگ یادبود استالین را در میدان فوریه برگزار کند . این میتینگ با شکوه تمام برگزار شد ولی به حیثیت حزب توده نیز خود بلکه به مردم نشان داد که حزب توده هنوز چه وابستگی عمیقی به شوروی دارد . بدنبال توطئه نهم اسفند ، مصدق نزدیک به دویست تن از مترجمین را بازداشت کرد که از جمله آنها غفل الله زاهدی بود ، ارجاع با ضربهای رو بروشده ، دیگر از هر طریقی میباید حکومت مصدق را سرنگون کرد . ارجاع

۳۲ و اقتصاد بودن نفت ، مصدق باعث رشد صنایع داخلی شد و توازن بازرگانی خارجی تامین شد . با این همه بروز نارسائی‌های الی در برداخت‌های دولتی (مثل حقوق‌ها که اغلب بصورت یک دوازدهم تصویب می‌شد) اجتناب ناپذیر بود ، در چنین اوضاع اقتصادی بود که مصدق تقریباً " با انگلیس به دادگاه لاهه رفت . دکتر سنجابی ، و خسرو قشقائی از جمله اعضای هیئت‌نمایندگی ایران بودند که قبل از لاهه رفته بودند . در همین موقع نقطکش رزمایی (ایتالیائی) که تحریم خربد نفت ایران را نقض کرده بود در عدن بازداشت شد .

صدق که از لاهه برگشت با توطئه‌های پنهانی امرای ارتش روبرو شد ، از سوی دیگر مصدق که نقش فرماندهان نظامی (رئیس شهربانی ، زاندرمری و فرمانداری نظامی تهران) را در ایجاد برخورد های خونین و کارشکنی دریافته بود ، در صدد چاره برآمد . مصدق تصمیم گرفت حق غیر قانونی شاه را در تعیین وزیر جنگ ملغی سازد و پست وزارت جنگ را بدست خود گرد . در ذهن رجال قدیمی یک مشابهتی بین حرکت مصدق با حرکت رضا خان در سالهای قبل از سلطنت وجود داشت زیرا او نخست وزیر و سردار سپه و وزیر جنگ بود . با این تفاوت عمدۀ که مصدق نظامی نبود و هدفها و سوابق جز رضاخان بود . در ۲۶ تیر مصدق بعنوان تهدید استغفا داد و قوام بجا یافت آمد . (جریان قیام سی ام تیز قبل از بررسی شده است) .

پس از پیروزی مصدق در آخر مرداد ۳۱ مجلس اختیارات مصدق را تصویب کرد که بدون مجلس قوانین را مورد اجرا بگذارد . این اختیارات برای خنثی کردن ماهیت ارجاعی مجلس هفدهم ضرورت یافته بود . در مهر ماه ۳۱ ایران با انگلیس قطع رابطه کرد .

وازارتختانه هامیریخت، با اختلافهایی که بروز کرده بود مصدق دستور داد که توصیه های آقا راجمع کنند و به آن وقعی نشنهند، این ضربتی بود به جاه طلبی آیت الله کاشانی که جدائی او را از مصدق جلو انداخت. شمس قنات آبادی ملقب به (شمس خان دار) از دست پروردگان کاشانی بود.

مظفر بقاعی (برای تحصیلات به فرانسه رفته بود و بعلت عیاشی و ولگردی موفق به درس خواندن نشد) بود و بدون گرفتن عنوان از فرانسه باز گشت) اولین دغلکاری او این بود که برای خودش عنوان دکترا جعل کرده بود. رئیس حزب رحمتکشاوند آدم خیانت پیشه، "جاه طلب و فاسدی بود، در جریان ملی شدن نفت به مصدق چسبیده بود. خلیل ملکی و همکارانش حزب رحمتکشاوند و روزنامه ارگان این حزب "شاهد" را به سنگر مبارزه با حزب توده تبدیل کرده بودند، پس از نزدیکی حزب توده به مصدق دیگر حنای این حزب رنگی نداشت و حیثیت حزب روزبه روز رو به نابودی می‌رفت - معذالک جدائی بقاعی از مصدق درست بخاطر بالا گرفتن موج مبارزه ورشدو تکامل آن بود، بقاعی در مجلس دست به توظیه زد و سرانجام به درجه پادوئی دربار تنزل یافت. در ۲۸ مرداد بقاعی به این افتخار می‌کرد که با زاهدی کوتاچی در همان روز عکس پادگاری بگیرد. حسین

دنباله پاورقی از صفحه قبل

تهران به خوانندگی بپذیرد. این توصیه را یکی از آقا زاده ها درازای خوشگذرانی به مهر پدر بزرگوار خود رسانده بود.

از هیچ عملی فرو گذار نکرد. از یکسو ابوالقاسم خان بختیاری را تحریک کرد که سر به شورش بردارد تا نشان نا امنی باشد و دست ارتشی ها باز شود و از سوی دیگر در اردیبهشت ۳۶ افشار طوس رئیس شهریانی وقت را که از جانب مصدق به این پست گمارده شده بود رو بند و به قتل رساندند نانا امنی و بی لیاقتی دولت بر همه روش شود. مقارن این توطئه زاهدی که آزاد شده بود به مجلس متحصن شد و اختلاف کاشانی و مصدق به اوج خود رسید، کاشانی عملاً "برای سرنگون کردن مصدق با مرجعین متعدد شد، کاشانی سرشناسترین چهره، روحانی آن دوره بود. آخوندی عوام فریب و سیاست باز بود جاه طلبی او برای همه روش بود. مصدق از حمایت او بی نیاز نبود و نمی‌توانست از آن صرفنظر کند لذا جاه طلبی ها و فرست طلبی های او را تحمل می‌کرد ولی کاشانی نتوانست تکامل جنبش ضد امپریالیستی را تحمل کند. پیاز سی ام تیر مدق با مرجعین برخورد های جدی پیدا کرد و در عوض حزب توده به مصدق نزدیکتر شد. کاشانی از جنبش روی گرداند ولی برخور درسمی مصدق و کاشانی چند ماه به تعویق افتاد، کاشانی دولتی در دولت مصدق تشکیل داده بود، خانه آقا در پامنار ازیک وزارتختانه فعالتر بود آغازده ها و میرزاها و روزی برها از صبح تا شام کار چاق کنی میکردند. مهرهای کاشانی زیر دهها و صدها توصیه میخورد و بی آنکه خودش همه این توصیه ها را خوانده باشد (۱) در هر ماه یک گونی توصیه بر سر

۱ - سکین تربین این توصیه ها، توصیه ای بود که با مهر کاشانی به رادیو ایران رسیده بود با این مفهوم که "بانو غزال" خواننده رادیو دنباله پاورقی در صفحه بعد.

پس از اینکه فاطمی از مصدق صادقانه تبعیت کرد، با سرعت در جبهه ملی رشد کرد. فاطمی مدیر روزنامه با ختر امروز بود که به هیچیک از احزاب جبهه ملی وابستگی نداشت و سخنگوی رسمی جبهه شناخته می‌شد. فاطمی در سال ۳۱ از سوی فدائیان اسلام مورد سوءقصد قرار گرفت و عبدالخدائی نوجوان عضوفدائیان اسلام او را با تیر زد، ولی فاطمی از توطئه زنده بیرون آمد. این تحریکات در حرکت فاطمی تردیدی ایجاد نکرد. فاطمی وزیر امور خارجه مصدق بود و تا آخرین روز حیات باو وفادار ماند. دیگر از افراد صادق جبهه ملی، دکتر شایگان و مهندس رضوی بودند که از محبوبیت برخوردار بودند و باوا وفادار ماندند. الهیار صالح سفیر ایران در آمریکا بود صالح سفیری محافظه کار و حسابگر شناخته می‌شد. گفته شده است که صالح در سالهای بحران پیش از کودتا با آمریکا مذاکره کرد و اعلام کرد و بودکه حاضر است جای مصدق را بگیرد. این ماجرا در مناسبات مصدق با صالح و اطرافیان او در جریان سالهای ۲۹-۳۲ می‌تأثیر نبود. علاوه بر رجال منفرد که مانند خود مصدق از تربیون "دولت" با مردم تماس می‌گرفتند جبهه ملی احزابی نیز داشت، علاوه بر حزب زحمتشان که ذکر آن گذشت، حزب ایران مهمترین جزو جبهه ملی بود، حزب پان ایرانیزم از جمله احزاب جبهه ملی بود که درباره پیاپی آنها در پایان این مبحث خواهیم نوشت. در خرداد سال ۳۲ نیز مصدق درمانده بود، دولت آنقدر مفلس بود که فوق العاده نیروهای را که به جنگ ابولقاسم بختیاری فرستاده بود نمیتوانست بپردازد و اصلًا قادر نبود حقوق درجه داران افسران را ترمیم کند. این وضع در ایجاد نارضائی در صفوف پائین ارتش اثر می‌گذاشت. مصدق برای از بین بردن این ریشه‌های نارضائی اقدام نمیکرد و در چهار

تاریخ سی ساله ایران

(۱) عنصری توحالی بود که در جریان خلع بد جزو حیات بود. مکی در جریان خلع بد "سریاز فداکار" نام گرفت و نطاپنده "اول تهران در مجلس هفدهم بود. مکی نیز در کنار بقایی قرار گرفت بعدها گفته شد که هر دو نفر خریده شده‌اند، مکی که قبلًا "مرد فقیری" بود در این جریان توانست سرمایه لازم را برای یک زندگی مرفه بهم بزند. هذالک مکی بعدها در برخای کردن جنجالهای ضد مصدقی جدا شدند. حائری زاده و عبدالقدیر آزاد بودند که در فرصت طلبی از دیگران دست کمی نداشتند، با این ترتیب پس از آنکه در همان ماههای اول عناصری (مثل امینی، زاهدی) از مصدق جدا شدند، در ماههای پس از ۳۵ تیر (تقریباً به فاصله دو ماه) گروه مهمی از رهبران جبهه ملی از مصدق برپا شدند و به صفت دشمن پیوستند. در این شرایط عناصری مثل عبدالله معظمی و کیمی مجلس به دو دوزه بازی دست زندن دو مصدق را تنها گذاشتند. با جدایی این عده، عناصر صادق پا بهای تکامل چنین رشد کردند. در راس این عده حسین فاطمی وزیر امور خارجه قرار داشت. حسین فاطمی پیش از پیوستن به مصدق سوابق همکاری با (انتلیجنت سرویس) را داشت. ولی در پرتو چنین ملی، وجود آن او بیدار شد و کلیه اسرار این سازمان جاسوسی را که در اختیار داشت به مصدق تسلیم کرد.

۱ - حسین مکی پیش از شهریور ۲۵ درجه دار ارتش بود. مکی با ملک الشعرا بهار آشنا شده مدتی از مریدان او می‌شود و زیر نظر او تاریخ بیست ساله را تنظیم می‌کند. عامل معروفیت مکی همین تاریخ بیست ساله شدو اورا که فائد تجربه سیاسی و صفت‌های ارزنده بود در یک قحط الرجال به معروفیت رساند.

تاریخ سی ساله ایران
 چوب "قانون" مانده بود حال آنکه میتوانست با مانورهای (۱) درجه داران را از افراد جدا کند، افسران جزء خود بخود طرفدار او بودند. بهر حال تصمیم گرفت سیصد میلیون اسکناس منتشر کندو "لیبرالهای". محافظ قانون دست در دست دربار و امپریالیزم این مسئله را وسیله مبارزه با او قرارداده در تیر ۳۲ نمایندگان طرفدار مصدق که دراقلیت بودند از مجلس استیفا دادند ولی مجلس همچنان پا بر جا بود، در ۱۲ مرداد مصدق رفرازدوم کرد. در این موقع وزیر کشور غلامحسین صدیقی بود که از جمله رجالی بود که بدون هیچ سابقه سیاسی به مصدق پیوسته بود و به او وقا دارمانده و با جنبش پیش رفته بود - توسل به رفرازدم، بودن هیچ نسبت و سابقه قبلی، اقدامی انقلابی به حساب می‌آمد، در ۲۵ مرداد انحلال مجلس اعلام شد و همان شب کودتائی شد و بعد از آن کودتای ۲۸ مرداد درخانه خود بود وقتی دید که دیگر مقاومت فایده ندارد از خانه فرار کرد (از روی بامها) ولی چند روز بعد دستگیر شد.

جمعیندی خصوصیات و روش‌های مصدق

۱ - مصدق خود با جنبش رشد کرد. در مرحله اول به نقش ارتجاج داخلی کم بها میداد، ولی در عمل به اهمیت آن بھی برد.

۱ - مصدق می‌توانست حقوق درجه داران را افزایش دهد و لو بزیان بودجه عمومی و به آنها تامین و خانه بدهد. این برنامه میتوانست درست از هنگامی آغاز شود که مصدق پس از سی تیر پیروز شد و پست وزارت دفاع را بهدهد گرفته بود.

تاریخ سی ساله ایران

- ۸۵ - ۲ - علیرغم دگرگونی‌هایی که در روش مصدق بوجود آمد نتوانست پاسخگوی ضرورت‌های عصر خود باشد، مصدق در موارد متعددی می‌بایست به دشمن امان ندهد و امکان رشد بیشتری به مردم بدهد پس از سی ام تیر می‌بایست ارتش را تصفیه کند و از روحیه انقلابی مردم برای سرکوبی آشنا بهره بگیرد. امرای ارتش برکنار و مرتعان فعل بازداشت شده و عملیاتشان خشنی گردد - نحوه بزرگ دیگر - می‌باشی است که پس از شکست کودتا در نهم اسفند و بخصوص در ۲۵ مرداد از مصدق مشاهده می‌شود.
- ۳ - نقص عمدی مصدق، نداشتن سازمان و رابطه متشکل با مردم بود. همچنانکه خواهیم گفت، احزاب جبهه‌ملی، حزب معنی واقعی نبودند، باشکاهی‌های سیاسی‌ای بودند، بودن برنامه‌روشن و انصباط و مرکزیت، بنابراین مصدق و همکاران منفردش با توده‌ها تعامل آزاد یک‌طرفه داشتند.
- ۴ - مصدق علیرغم توطئه گریهای دربار هیچ‌گاه با شاه طرف رسمی نشد (اگر چه اشرف را مودبانه به اروپا تبعید کرد) احترام مصدق به (مشروطیت) و قانون اساسی در کندي حرکت جنبش و در جهت مبارزه با ارتجاج داخلی اثرمی‌گذاشت و به مرتعین فرصت میداد که در پشت قانون اساسی پنهان شوند.
- ۵ - مصدق تا آخرین روز حکومت خود حاضر نشد رسما "همکاری حزب توده را که تغییر سیاست داده بود بپذیرد و به شعار جبهه واحد ضد استعماری به هر نحو که مطابق جنبش بود جواب مثبت بدهد.
- ۶ - روش مصدق در اغلب موارد تحت تاثیر آموزش‌های بسیار قدیمی رجال ملی قرار داشت و این با محتوای جنبش در آن سالها وفق نمی‌داد. قالبی که مصدق برای مبارزات خود در نظر گرفته بود خود بخود موجب

می شناختند ما دفاع مصدق دردادگاه محاکومیت وسپس زندانی کردن او در قله احمد آباد ضعفها و تسلیم طلبی های اکثرهایران جبهه راندیدند در حالیکه این مهربانیستگی مصدق را میساند که عناصر فرست طلب (مثل صالح، سنجابی، صدیقی و دیگران) اجازه داد که در پناه حیثیت مصدق برای خود کسب محبوبیت کنند.

دوباره احزاب جبهه ملی

حزب ایران در سالهای پس از شهریور ۲۵ تشکیل شد. تشکیل دهنگان این حزب، عناصری لیبرال و اغلب اشراف منش بودند حزب ایران در تمام دوره حیاتش یک باشگاه سیاسی بود یعنی توده های وسیع را بخود جلب نمیکرد، حتی در اوج جنبش حزب ایران نتوانست نیروی عمدۀ ای را جلب کند. وسیع ترین قشر این حزب عناصر روش‌گری بودند که تمایلات آزادیخواهانه ملی داشتند. محافظه کاری حزب ایران به آن امکان میداد که از زیرضربات سهمگین همواره برکنار بماند. این حزب با اینکه در جهت دمکراتیک "با حزب توده و حزب دمکرات متعدد شده بود عملاً" از ضربات ناشی از شکست مصون مانده سرانجام محافظه کاری رهبران حزب در او اخر سال ۳۱ موجب انشعاب در حزب شده. نخشب و رازی از حزب اسلامی) و چنانچه خودشان می‌گفتند سویاً می‌ستهای خدا پرست، بوجود آوردند. حزب جدید توانست جوانترین افراد حزب ایران را از آن جدا کند. این حزب پس از ۲۸ مرداد و تشکیل نهضت مقاومت، نقش مثبت تری از حزب ایران داشت محافظه کار ترین رهبران جبهه ملی (صالح، سنجابی، شاپور و بختیار و بسیاری دیگر) از رهبران این حزب بودند. حزب ملت

محافظه کاری او نمیشد. اما در کنار این کمبودما که در شکست مصدق نقش اساسی داشت مصدق واحد خصوصیات ممتازی بود:

۱ - مصدق روحیه توده های خرد بورژوازی (بخصوص در ۲۵ مرداد از مصدق مشاهده میشود) .

کسبه، پیشهوران، بازرگانان، کارمندان) را بخوبی می‌شناخت و تاکتیکهای خود را با توجه به آن انتخاب میکرد. با همه، اینها مصدق در طول مبارزات خود از انگیره های مذهبی شخصاً استفاده نکرد و حاضر به تظاهر مذهبی برای جلب نظر توده نشد.

۲ - مصدق در انتخاب بین انگلستان و شرکت نفت مشی درستی را انتخاب کرد و استفاده مصدق از تضادهای امپریالیستی آن دوره عملی بجا بود، لکن در این مورد روشنو نحوه عمل مصدق خالی از انتقاد نیست.

۳ - مصدق در راه خود پیگیر بود، گرچه قاطعیت لازم را نداشت ولی به ملت ایمان داشت و این ایمان را تا آخرین لحظه حیات حفظ کرد.

صدق دیدگان ناسیونالیستی داشت، او به مفهوم مبارزه، طبقاتی و تقسیم ملت به طبقات عقیده نداشت ولی در حفظ عقاید خود محکم و پا بر جا بود.

۴ - مصدق با بردن مساله نفت بین توده ها مفهوم رابطه استعماری را به مردم فهماند و درک اجتماعی - اقتصادی مردم را در شناخت امپریالیزم تکامل داد. همچنان در مقابله با امپریالیزم انگلیس که امپریالیزم حاکم بر خاور میانه بود به جنبش ضد امپریالیستی کمک کرد و جنبش ملی ایران را به جهان شناساند.

۵ - مصدق با دفاع از حقوق ملت و اقداماتی که کرده بود در دادگاه نظامی حیثیت جبهه ملی را حفظ کرد مردم که جبهه ملی را در مصدق

بروز اختلاف بین بقائی و مصدق ، خلیل ملکی و همکارانش نمی‌توانستند در حزب زحمتکشان بمانند ، بقائی که صاحب امتیاز حزب و روزنامهٔ شاهد بود اجازه نمی‌داد مطلبی بر خلاف میلش نوشته شود ، ملکی و بانش در حالیکه تشکیلات و تعلیمات حزب را در دست داشتند ناچار به تبعیت از - بقائی بودند سرانجام در جریان قتل افشار طوس ، ملکی از حزب جدا شد و حزب زحمتکشان (نیروی سوم) را ایجاد کرد . این حزب گرچه بطور کلی طرفدار مصدق بود ولی هدفهای ضد توده‌ای خود را همچنان ادامه میداد . پس از ۲۸ مرداد بر سر روشی که حزب می‌باشد در مقابل دولت پیش گیرد در این حزب انتسابی روی داد و جناح طرفدار مصدق را که دکتر محمد علی خنجی در راس آن بود از ملکی جدا شد و در نهضت مقاومت شرکت کرد . حال آنکه ملکی به نحوی سیاست بازانه و عالم نمایانه ، رژیم را تائید می‌کرد . بعدها خنجی در جبهه ملی دوم نقش ارتقای خود را ایفا کرد . حزب ملت ایران که جوانترین نیروی جبهه ملی بود پس از کودتا در نهضت مقاومت شرکت کرد و جزو اولین جریانهای بود که همکاری ضمنی با توده‌ای ها را پذیرفت و در ماههای پس از کودتا ، افراد آن علی‌غم برخوردهای خشن با افراد حزب بخصوص سازمان جوانان عمل^۱ در فعالیتها همکاری می‌کردند ، طی سالهای بعد نیز اغلب (نهمیشه) فروهر و همکاران نزدیکش این مشی را ادامه دادند و با عناصر بطور کلی کمونیست همکاری ضمنی داشتند ، در پایان این میثت به موقعیت مهدی بازرگان و همکارانش اشاره‌ای می‌کنیم .

بازرگان از جمله منفردین جبهه ملی بود که از همان نخست اعتقادات مذهبی را با اعتقادات سیاسی آمیخته بود . بازرگان رئیس هیئتی بود که

ایران بر مبنای پان ایرانیزم ، حزبی بود با اعتقادات افراطی ناسیونالیستی با تمایلات شبه فاشیستی که در حوزه‌های آن آثارهایی و حزب نازی آلمان مورد بحث و تعلیم قرار می‌گرفت . (۱)

این حزب از حزب پان ایرانیزم انشعاب کرده بود (به روایت خود شان حزب پان ایرانیزم پژشکپور از آن انشعاب کرده است ؟ داریوش فروهر فعالیت خود را مکتبه‌ای ایرانیزم که بعدها بنام حزب پان ایرانیزم شکل گرفت ، شروع کرد و پس از بروز اختلافات بر سر دربار و مصدق ، فروهر جانب مصدق را گرفت ، ولی پژشکپور گرایش‌های شاهدوستی خود را حفظ کرد . برخوردهای خیابانی توده‌ای ها و جبهه ملی‌ها اغلب بین پان ایرانیست‌ها و افراد سازمان جوانان که زیر سر پوش کانون جوانان دمکرات پنهان شده بودند روی میداد . پیرامون پان ایرانیزم عده‌ای از اواباش حرفه‌ای جمع شده و برخوردها راحتی بکشاندید ، از این جمله گروهی بود که خود را آورگان پان ایرانیزم " مینامید . امیر موپور (زرین کیا) در راس این عده قرارداشت . این گروه که بسیار بدنام و شور بود ، از هر دو جناح حزب پان ایرانیزم رانده شده بود . مسئولیت اعمال آنها به عهده حزب نبود . از جمله اقدامات حزب ملت ایران (فروهر) حمله به خانه کاشانی در سال ۳۲ بود که منجر به قتل یکی از کسانیکه در خانه کاشانی بودند شد . پس از

۱ - مراسم و تشریفات این حزب نشانی از این تمایلات بود یکدیگر را " سرور " خطاب می‌کردند و به سبک هیتلری سلام می‌کردند . سلامشان پاینده ایران " بود ، شعا حزب " فلات ایران به زیر یک " پرچم بود .

مختصری دربارهٔ فدائیان اسلام

نواب صفوی مردی مذهبی بود که قادر به جذب عناصر ساده با ایمان مذهبی بود، نواب عقاید خود را از اخوان المسلمين تقلید کرده بود. و حکومت شرعی اسلام را تبلیغ میکرد. نواب صفوی در مخالفت با کسری معروفیت یافت و با قتل کسری توسط امامی ترورهای فدائیان اسلام شروع شد. نواب شخصاً "مردی صادق و پرهیز کار نبودی عده‌ای را که مجذوب عقاید او بودند بدور خود جمع کرده بود. مهمترین ترور فدائیان اسلام ترور رزم آرا بود که درست در موقع او جیگری جنبش و دریک موقعيت تاریخی انجام شد و زشت ترین آنها سوء قصد به دکتر فاطمی همکار مصدق بود. قتل کسری کی از ترورهای زشت فدائیان اسلام بود. آخرین ترور فدائیان اسلام سوء قصد به حسین علاییش از عزیمت به بغداد در سال ۳۴ بود که موجب تعقیب جدی فدائیان اسلام از طرف دولت علا شد. در ۲۱ دیماه ۱۳۲۵ نواب صفوی و سه نفر دیگر (خلیل طهماسبی، ذوالقدر، واحدی) اعدام شدند، در میان فدائیان اسلام، برادران واحدی از دیگران صادق تر بودند.

بعد ها بقایای فدائیان اسلام با گروهی بنام هیئت موتلفه) ادغام شدند و در سال ۴۳ (اول بهمن) حسنعلی منصور نخست وزیر وقت را ترور کردند. که موجب اعدام چهار نفر از ایشان شد. ترورهای فدائیان اسلام (بجز در مورد رزم آرا و تا حدی هژبر) نتیجه‌ای در جریانهای سیاسی موجود بهار نیاورد و واجد تمام صفات ترور کور میباشد. فدائیان در طول حیات خود چند ترور اسجام دادند که اغلب با هم فاصله‌های زیادی داشت. این نشان دهندهٔ ماهیت این ترورهاست.

برای خلع بد شرکت نفت ایران انگلیس به خوزستان رفت و این عمل تاریخی را با موفقیت به انجام رساند، در همین جریان یک دندگی مذهبی بازارگان ناراحتی کوچکی فراهم کرده بود که به دستور مستقیم مصدق حل شد (مسئله بر سر مشروبات الکلی شرکت نفت بود که بازارگان قصد انهدام آنرا داشت ولی مصدق، از جنبه‌اقتصادی با این کار مخالف نمیکرد) مادامی که آیت الله کاشانی با مصدق همکاری نمیکرد عناصر مذهبی بخصوص بازاریان چشم به او دوخته بودند ولی پس از جدایی کاشانی از مصدق پکیار حیثیت او در پیش اکثریت قاطع بازاریان نیزار بین رفت، با همهٔ اینها در غیاب کاشانی هم بازارگان توانست چهرهٔ محبوبی برای توده هاشود. خصوصیات بازارگان با موفقیت مطابقت نمیکرد، مادامی که مصدق و فاطمی از نظر سیاسی در جلو توده‌ها قرار داشتند، میدانی برای این فرد نسبتاً فرست طلب و متعصب مذهبی باقی نمی‌ماند. ولی پس از ۲۸ مرداد که عناصر سطحی و "هوچی" از میدان خارج شدند و پای ایستادگی به میان آمداستواری و تعصب مذهبی بازارگان جای خود را درین گروهی از عناصر جبهه‌ملی باز کرد. این ترتیب بازارگان و همکارانش (مثل سنجابی طالقانی و بعدها شیهانی) در ایجاد و ادامه نهضت مقاومت، نقشی موثر بازی کردند. ارزیابی فعالیتهای احزاب جبهه ملی نشان میدهد که این احزاب در جنبش ملی دارای نقش تعیین کننده‌ای نبودند و همکارانش بدون داشتن یک سازمان متشکل سیاسی جنبش را رهبری می‌کردند. همانطور که بیان شد این بزرگترین کمبود جنبش در جناح ملیون بود.

خانقه ری که آنجا را باسنج سیاه و محافظ بصورت قلعه‌ای در آورده بودند و حتی در چند مورد کسانی را ربوده و به آنجا برندند و شکجه کردند. باشگاه آریایی‌ها در خیابان زاله (مقابل مدرسه اتخاذ یهودی‌ها) بود. در جریان ۲۸ مرداد حزب آریا به باشگاه حزب مردم ایران که در خیابان زاله مقابل بیمارستان شفا بود حمله کرد و آنرا به تصرف خود در آورد و در آنجا مستقر شد.

ملکه اعتضادی (از معروفه‌های دربار) نیز حزبی بنام ذلوقفار داشت. از این قبیل دسته‌ها باز هم وجود داشت. این احزاب از دربار کمک می‌گرفتند و در ۲۸ مرداد نقشی هم بعهده گرفتند.

علاوه بر اینها از چندماه پس از سی ام تیر ۳۱ شعبان بی مسخ و دارو دسته اش در یک سو و طیب و دارو دسته اش از سوی دیگر در صف دربار قرار گرفتند و نقش این دو بخصوص نقش طیب (از جهت تسلطی که به میدان و جنوب شهر داشت) بر اراتب از احزاب سومکا و آریا و امثال آن در بر پا کردن ۲۸ مرداد بیشتر بود.

پایان بخش اول "تاریخ سی ساله

پس از شهریور ۲۰ همانطور که حزب توده و احزاب و دستجات ملی بوجود آمدند، احزاب ارتقائی نیز علم شدند. مهمترین حزبی که طی دوزاده سال از جانب مرتجمین ایجاد شد حزب دمکرات قوام بود که میباشد در مقابل حزب توده قد علم کند. این حزب از همه امکانات دولتی وارتش برخوردار نمی‌شد و برای صحنه سازی حتی در دمونستراسیونهای آن از نوعی اونیفورم و اسپهای ارتقی استفاده نمی‌شد. معاذالک این حزب نمیتوانست کوچکترین نفوذی در مردم بکند، با او جگیری جنبش ضد امپریالیستی، برای مقابله با حزب توده که مخفی بود و از سازمانهای علني استفاده می‌کرد، اول حزب "سومکا" و بعد حزب آریا بوجود آمد. حزب سومکا را که مخفف "سوسیالیزم ملی کارگران ایران" بود منشی زاده از هیتلری‌های سرشناس تأسیس کرد. حزب سومکا اونیفورم سیاه بازار و بند و ساطور دست می‌گرفتلا به سک هیتلری‌ها سلام می‌دادند و مبارزه با کمونیستها هدف آنها بود.

این حزب در تهران بیش از صد نفر عضو نداشت و از دربار کمک می‌گرفت، در خیابانها به کسانیکه روزنامه‌های توده ای می‌فروختند حمله می‌کردند و در مجري ۲۳ تیر و آذر و ۸ فروردین قدرت غایی میدان پیدا کرده بود.

حزب آریا توسط سپهی نامی تشکیل شده بود که قبل از همکاران منشی زاده بود.^(۱) اگرچه سر نفت بین آنها اختلاف افتاده بود. او نیفورم آریایی‌ها، ارتقی رنگ بود و فرم و لباس و آرایشیان متفاوت از سومکائی‌ها بود. نحوه عمل و حرکات هر دو یکی بود. باشگاه حزب سومکا در خیابان

۱ - جالب بود که منشی زاده یک پا داشت و سپهی نامی هم کور بود.